

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی همدانشیرازی



کلیاتی از جنگ

و

مواردی از دفاع مقدس

تألیف: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

۱۳۸۹

سرشناسه: آراسته، ناصر، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس / تألیف ناصر آراسته؛ [برای]

هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی

مشخصات نشر: تهران: ایران سبز، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۰۱ ص.

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۶۰۷ - ۷۶ - ۶

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷.

موضوع: سیاست جغرافیایی - ایران

شناسه افزوده: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ک۸ / ۱۴ / ۱۶۰۰ DSR

رده‌بندی دیویی: ۰۸۲۳ / ۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۷۵۰۴

کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس

نویسنده: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

ویراستار تخصصی: سرتیپ ۲ حسین مبارکی

مقابله متن با اسناد و منابع: سرتیپ ۲ حسین مبارکی

حروف‌نگاری: حامد خدمتی

ویرایش و صفحه‌آرایی: الهه آموزگار

نوبت و سال چاپ: دوم / ۱۳۹۲

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۶۰۷ - ۷۶ - ۶

ناشر: انتشارات ایران سبز ص پ ۳۶۹۷ - ۱۶۷۶۵

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۶۵ نامبر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پست ۱۷۱ - ۱۹۵۶۵

فهرست مطالب

مقدمه	۱
جنگ از دیدگاه دانشمندان	۴
انواع جنگ از دید دانشمندان و نوابغ نظامی	۸
جنگ در قرن بیستم	۱۵
جنگ از منظر قرآن و حدیث	۱۷
انواع جنگ در قرآن و حدیث	۲۲
تعریف جنگ در اسلام و اهداف آن	۲۶
نتایج جهاد اسلامی	۲۸
ژئوپولیتیک (سیاست زمین)	۳۰
موقعیت ژئوپولیتیکی ایران	۳۱
ویژگی‌های مهم خاورمیانه	۳۳
ویژگی‌های عمده ژئوپولیتیک ایران قبل از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی	۳۵
مهم‌ترین تغییرات ژئوپولیتیکی بعد از انقلاب	۳۹
اهداف استکبار از تحمیل جنگ به ایران	۴۲
انگیزه تاریخی جنگ ایران و عراق	۴۳
انگیزه ژئوپولیتیکی عراق برای جنگ	۴۵
دلایل روانی آغازگر جنگ	۴۶
دلایل نظامی عراق در تحمیل جنگ	۴۷

- اهداف و سیاست راهبردی استکبار و عراق در حمله به ایران ۴۸
- اطلاعات نظامی و ملی راهبردی عراق از ایران ۴۹
- اشتباهات فاحش استکبار و صدام در محاسبه مبانی اطلاعات از ایران ۵۲
- راهبرد نظامی عراق در جنگ با ایران ۵۴
- دفاع مقدس هشت ساله ما از منظر اسلام عزیز ۵۶
- مقایسه دفاع مقدس با نظرات دانشمندان ۵۸
- تقسیم‌بندی پیروزی و شکست در جنگ ۶۰
- پیروز دفاع هشت ساله کیست؟ ۶۲
- اهداف صدام از تحمیل جنگ ۶۳
- اهداف پشتیبانان صدام یا استکبار شرق و غرب ۶۴
- اهداف جمهوری اسلامی در دفاع مقدس ۶۵
- چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم؟ ۶۶
- مراحل جنگ در سطح و سیاست‌های ملی و اهداف کلی صحنه نبرد ۶۹
- شکست صدام در استراتژی نظامی ۷۶
- دلایل پیروزی در جنگ ۸۱
- فداکاری ارتش و ایثار فرماندهان در ارتش حزب الله ۸۴
- تذکر پایانی ۸۸
- منابع و مأخذ ۸۹

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از باز یافته ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیان‌گذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته، مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خدای متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - آموزشی» شکل گرفته است، ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار می‌دهند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای هر چهار دانشگاه افسری زمینی، هوایی، دریایی و فراهی به اجرا درآمده و به یاری پروردگار ادامه خواهد داشت.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»

مقدمه

غم و اندوه از دست دادنش سراسر میهن اسلامی را فرا گرفته بود. هرکس او را دیده بود و هرکس او را ندیده بود برایش می‌گریست و یا از این مصیبت سخت غمگین بود. بتحقیق می‌دیدیم و می‌گفتند که بعد از رحلت جانشوز حضرت امام تدو و آن تشییع میلیونی از بدن مطهر روح خدا، چنین تشییعی در تهران انجام نشده بود؛ تشییع از کسی که خود را نه در زبان بلکه در عمق جان، سربازی کوچک برای اسلام و میهن اسلامی می‌دانست. طبیعی است بعد از رهبر معظم انقلاب فرمانده بزرگوار کل قوا و خانواده‌اش، دوستان نزدیکش بیش از دیگران مصیبت‌زده و سوگوار بودند. من هم در این طیف جا داشتم، دیری نپائید که بعد از شهادتش با امر فرماندهی معظم کل قوا بنده به عنوان سرپرست هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی عهده‌دار مأموریتی شوم که او آن را بنیان گذاشته بود. صیاد عزیز به فوز شهادت که سال‌ها آرزوی آن را داشت رسید و به جوار قرب حق پرکشید، ولی گنجینه‌ای از تجربه، ایثار، شهامت، علم، نبوغ، شهادت‌طلبی، خلوص و تقوا را در آثار عملی و سیره مدیریتی خویش در هیئت مزبور برجا گذاشت که گرچه قطعه‌ای کوچک از گستره وسیع فضائل وجودی اوست، ولی سال‌های سال می‌تواند توشه و منبع ارزشمندی برای متخصصین، اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه دفاع و نظامیگری و رفتار خالصانه در عرصه مدیریت باشد.

آری تقدیر چنین بود که اگر در وصیت‌نامه‌اش مرا وصی خویش نام برده است، عملاً این وظیفه را در هیئت معارف جنگ برعهده داشته باشم.

برحسب وظیفه و ضرورت و الزام می‌بایست حداقل آموزش دو موضوع درسی — که آن عزیز سفرکرده در دانشگاه افسری امام علی بعهدہ داشت (یعنی: «۱») تبیین جنگ «۲» منش فرماندهی) - را خود برعهده گیرم.

بهترین و در دسترس‌ترین منابع آموزشی در این موارد همان طرح درس‌ها و جزوات آموزشی بود که صیاد دل‌ها آن فرمانده متشعر، انقلابی، شجاع، عارف عامل به علم خویش تهیه کرده و در اختیار ما قرار داده بود؛ لذا با بهره‌گیری از آنها و بررسی و مطالعه شخصی و استفاده از تجربیات گذشته نسبت به تهیه دو متن آموزشی در خصوص دو موضوع منش فرماندهی - کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس اقدام نمودم و البته چون قصد اینجانب ارائه آموزش در دانشگاه‌های زمینی، هوایی و دریایی ارتش بود، این دو متن با ذائقه و حال و هوای نظامی این دانشگاه‌ها تدوین گردید و از طرفی چون اعتقاد من در شیوه تدریس مشارکت دانشجو در این امر است و این شیوه را با طرح سوالات، ذکر خاطرات، مسابقه و بیان مصادیق و منابع و شرح موارد با کمک دانشجویان و یا ارائه استدلال توسط آنان در حین درس معمول می‌دارم، لذا کتاب یا متن آموزشی که تهیه می‌نمایم بسیار خلاصه و فشرده می‌باشد؛ لیکن حجم مطالب کتاب بعد از دوره آموزشی برای دانشجو توسط آنان و با یادداشت‌برداری از شرح مطالب مذکور در کتاب و با عنایت به موارد مطرح‌شده در کلاس، نزدیک به دو برابر آنچه هست می‌گردد؛ به عنوان مثال شرح هرکدام از انواع و اقسام جنگ در

کلاس به بحث گذاشته می شود. کتاب حاضر نیز تحت عنوان «کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس» از همین خصیصه برخوردار است و اگر خواننده در صفحات، زیرنویسی از منابع و مآخذ بهره‌برداری شده ملاحظه نمی‌نماید به این دلیل است که در کلاس‌ها یافتن منابع و تحقیق در منابع را هم به عنوان بررسی و مسابقه به دانشجو واگذار می‌نمایم. البته در پایان کتاب فهرست منابع مذکور است. در این کتاب ابتدا به تعاریف و سپس به انواع و اقسام جنگ پرداخته و چون بزرگترین و مهم‌ترین دلیل وقوع جنگ تحمیلی را تغییرات ژئوپولیتیکی ایران اسلامی حاصل انقلاب شکوهمند اسلامی می‌دانم، مختصری به این تغییرات پرداخته و اهداف دشمنان را در تحمیل جنگ و دلایل آن را از منظر آنان بیان نموده‌ام. در پایان این بحث، دفاع هشت ساله را با انواع جنگ‌ها مقایسه‌ای کوتاه نموده و دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ را بیان کرده‌ام و چون به اعتقاد من استخوان‌بندی اداره جنگ با ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده است، لذا در پایان چند سطر نیز از دلایل وفاداری و فداکاری ارتش آورده‌ام. امید که مقبول خداوند واقع شود.

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

جنگ از دیدگاه دانشمندان

در اینجا به تعاریفی از جنگ از دیدگاه نوابغ و اندیشمندان نظامی، جامعه شناسان سیاسی - سیاسیون، استراتژیست‌ها و حکما می‌پردازم، این تعاریف یا مستقیماً تعریف از جنگ است یا غیر مستقیم. البته هر کدام در جامعیت یا در مانعیت نقائصی دارند.

- جنگ حقیقت همیشگی تاریخ است و صلح تنها یک متارکه موقت جنگ است، پس جنگ اصل است و صلح فرع.
- جنگ یعنی کسب قدرت و برای کسب و اعمال قدرت باید جنگید.
- جنگ درگیری مسلحانه دو یا چند حکومت برای دسترسی به خواسته‌های مشروع یک طرف و نامشروع طرف دیگر است.
- جنگ درگیری مسلحانه دو جمعیت است برای اهداف و خواسته‌های قدرتی که خود را برتر می‌داند.
- جنگ تحمیل اراده سیاسی یک کشور به کشور یا کشورهای دیگر با استفاده از قوه قهریه است.
- جنگ وسیله‌ای قدرتمند برای اعمال سیاست است.
- جنگ درگیری مسلحانه دو یا چند حکومت یا مردمی علیه حکومت و یا مردمی دیگر به منظور شراکت، تغییر، حذف و یا تصاحب قدرت است.
- جنگ دنباله سیاست است با ابزاری دیگر.

- جنگ تجلی سیاست است و سیاست نیز قوه تدبیر و تیزهوشی نیروها در جهت‌گیری به سمتی خاص. بنابراین جنگ ابزار سیاست محسوب می‌شود، یا به بیان دیگر جنگ دستاویز سیاست است.
- وقتی که حیات ملی و امنیت ملی کشوری را خطری جدی تهدید نماید و همه راه‌ها در رفع تهدید بلااثر باشد، مبارزه مسلحانه یا جنگ برای حفظ حیات ملی اجتناب‌ناپذیر است. پس جنگ مبارزه مسلحانه و آخرین روش گریزناپذیر برای حفظ حیات ملی است.
- جنگ برای گسترش فضای حیاتی ضروری است و صلح اکتفا کردن به زندگی در فضای محدود است.
- جنگ اعمال قانون تنازع بقاست که قوی برای بقاء حیاتش می‌ستیزد و ضعیف یا نابود می‌شود و یا برای بقاء در زیر سلطه قوی تن به صلح می‌دهد و حمایت او را جلب می‌کند.
- جنگ عملی است قهرآمیز، با ابزار قهرآمیز که دو یا چند گروه طرفین آن هستند به منظور کشتن، نابود کردن و یا تسلیم نمودن طرف مقابل صورت می‌گیرد و حداقل یکی از طرفین دارای اهداف، سازمان و آموزش به این منظور است.
- جنگ ریسک کردن بر سر زندگی انسان‌هاست.
- جنگ مشروع مبارزه برای دفاع از حق، مبتنی بر فطرت، عقل و دین است و ستیز برای امیال نفسانی و شیطانی خلاف فطرت و عقل و دین و جنگ نامشروع است.

- جنگ مبارزه با وسایل مشروع مختلف برای اهداف مشروع که حفظ جان و مال و ناموس خود و دیگر انسان‌هایی است که مورد طمع نامشروع قرار گرفته‌اند.
- جنگ نبرد دو یا چند ملت است به صورت مسلحانه با یکدیگر که هم را نمی‌شناسند و نمی‌دانند برای چه با هم دشمنی می‌کنند، برای اهداف دو یا چند انسان که همدیگر را می‌شناسند و می‌دانند برای چه با هم دشمنی می‌کنند.
- آنچه صلح می‌اندوزد، جنگ بر باد می‌دهد و آنچه را که جنگ پیروز بدست می‌آورد در صلح دست نیافتنی است. یعنی جنگی که حاصلش پیروزی و صلح پایدار باشد وسیله رسیدن به دست نیافتنی‌ها است.
- جنگ یک مکانیسم تعدیل و تصفیه است که می‌تواند تعادل بین سیاست و صلح را برقرار نماید.

اگر دقت کنیم بعضی از تعاریف مبنای حقوقی دارند، بعضی سیاسی و تعدادی از بار مادی برخوردارند و تعدادی معنوی، در تعدادی جغرافیا و در تعدادی دولت ملت اساس کار است. در شماری از تعاریف اهداف و کیفیت ملاک تعریف است و در شماری سازمان و آموزش؛ در مواردی نوع ابزار قهریه و در مواردی شدت قهر مورد نظر است و...؛ البته تعاریف دیگری از جنگ وجود دارد که برای پرهیز از اطلاعیه بحث از ذکر آنان خودداری شده، ولی تعاریف مذکور اهم تعاریف و درحقیقت دربرگیرنده تمام جوانب مدنظر در جنگ‌هاست که آورده شده است و نهایت اینکه مشکل بتوان به یک تعریف جامع، مانع و کوتاه از جنگ دست یافت و این امر هر روز با پیچیده‌تر شدن جوامع، اشکال جدید و گوناگون قدرت و ورود

ابزار و تکنولوژی غیرقهرآمیز، ولی با نتیجه قهرآمیز و یا با نتیجه‌ای که جنگ‌های قهرآمیز به آن منتج می‌شود مثل جنگ سایبرنتیک، رسانه‌ای و در نتیجه آنها انقلاب با کودتای مخملی، مشکل‌تر می‌گردد. طوری که امید نمی‌رود در آینده نزدیک بتوان به یک تعریف جهان شمول از جنگ دست یافت.

انواع جنگ از دید دانشمندان و نوابغ نظامی

در اینجا به تعدادی از انواع و اقسام جنگ اشاره می‌نمائیم (البته طرح هر کدام از انواع و اقسام ان شاء الله در کتابی دیگر آورده خواهد شد).

۱. تقسیم‌بندی از نظر مسلحانه یا غیرمسلحانه بودن جنگ:

(۱) جنگ سرد (۲) جنگ گرم

۲. تقسیم‌بندی از نظر درون مرز یا بیرون مرز کشور (تقسیم‌بندی از نظر

جنگ با حکومت خود یا با دیگر حکومت‌ها):

(۱) داخلی (۲) خارجی

۳. تقسیم‌بندی از نظر تعداد کشورهای درگیر در جنگ:

(۱) محلی (۲) منطقه‌ای (۳) جهانی

۴. تقسیم‌بندی از نظر زمان:

(۱) سریع (۲) کوتاه‌مدت (۳) بلندمدت

۵. تقسیم‌بندی از نظر سلاح:

(۱) محدود (متعارف) (۲) نامحدود (غیرمتعارف)

۶. تقسیم‌بندی از نظر وسعت ارضی و اهداف مورد نظر در جنگ:

(۱) تاکتیکی (۲) نیمه‌گسترده (۳) گسترده

۷. تقسیم‌بندی از نظر توازن توانایی‌های مادی و تکنیکی و تاکتیکی دوطرف

جنگ:

(۱) جنگ متقارن (۲) جنگ نامتقارن

۸. تقسیم‌بندی از نظر شیوه جنگ یا عناصر رزمنده:

(۱) جنگ منظم (۲) جنگ نامنظم (چریکی)

۹. تقسیم‌بندی از نظر قدمت روش‌های جنگ:

(۱) جنگ سنتی (۲) جنگ اقتضائی (۳) جنگ مدرن

۱۰. تقسیم‌بندی از نظر نقش آموزش و سازمان در جنگ:

(۱) جنگ کلاسیک (۲) جنگ غیرکلاسیک

۱۱. تقسیم‌بندی از نظر اقدام فیزیکی و غیرفیزیکی:

(۱) جنگ نرم (۲) جنگ سخت

۱۲. تقسیم‌بندی از نظر داشتن طرح و برنامه برای جنگ:

(۱) جنگ طراحی شده (۲) جنگ بدون برنامه (شورش‌ها و انقلاب‌ها)

۱۳. تقسیم‌بندی از نظر تقدم اقدام:

(۱) تهاجمی (۲) تدافعی

۱۴. تقسیم‌بندی از نظر انگیزه میل به جنگجویی:

(۱) جنگ با انگیزه ملی (۲) جنگ با انگیزه اعتقادی

(۳) جنگ با انگیزه انقلابی

که البته هر کدام از انگیزه‌های بالا می‌تواند با دیگری همراه باشد.

۱۵. تقسیم‌بندی جنگ داخلی در مقابله با حکومت حاکم:

(۱) انقلابی (۲) کودتا (۳) مبارزه منفی

۱۶. تقسیم‌بندی جنگ درون یک کشور بدون برخورد با حکومت:

(۱) حزبی (۲) استانی (یا ایالتی)

(۳) قبیله‌ای یا قومی (۴) مذهبی

۱۷. تقسیم‌بندی از نظر قدرت و نفوذ سامانه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای (به

دلیل جدید بودن این تقسیم‌بندی توضیح کوتاهی برای دو نوع آن ارائه شده است).

(۱) جنگ سایبرنتیک (Cyber Warfare)

حمله به مغز شبکه ارتباط و کنترل سامانه در مراکز نظامی و ملی یک کشوری که آموزش با رایانه هدایت می‌شود.

(۲) جنگ الکترونیک

حمله به مغز کنترل و فرماندهی تاکتیکی و صحنه عملیات نظامی.

(۳) جنگ ضدجنگ الکترونیک

مقابله با جنگ‌های الکترونیک.

۱۸. تقسیم‌بندی از نظر میزان تلفات خودی و دشمن (به دلیل جدید بودن این

تقسیم‌بندی توضیح کوتاهی برای انواع آن ارائه شده است).

(۱) جنگ (یا عملیات) صفر کشته یا تلفات صفر (Zero Death)

کاهش تلفات نیروی خودی با استفاده از توانمندی‌های برتر نظامی، تا مشروعیت جنگ در افکار عمومی خودی لطمه نخورد.

(۲) جنگ پاک (Clear War)

بدون وارد کردن تلفات سنگین به دشمن و با حداقل تلفات و خسارات به غیرنظامیان، با دقت در عمل و هدف قرار دادن نقاط حیاتی و حساس او را وادار به تسلیم نماییم تا مشروعیت جنگ در افکار عمومی جهان یا کشور هدف جریحه‌دار نشود.

(۳) جنگ رایج (معمول)

هر میزان و هرگونه تلفاتی متناسب با نوع سلاح قابل پذیرش بوده و یا اینکه میزان و تفکیک اهداف و تلفات قابل کنترل و پیش‌بینی نیست.

۱۹. تقسیم‌بندی از نظر عاملیت (حضور) در جنگ:

(۱) مباشرتی (اصلاتی) (۲) نیابتی (۳) حمایتی

۲۰. تقسیم‌بندی جنگ در هنگام محاصره و یا اشغال سرزمین یک طرف:

(۱) مقاومتی (۲) پارتیزانی (چریکی) (۳) مبارزه منفی

۲۱. تقسیم‌بندی جنگ از نظر شرکت نیروها و یا کشورهای مختلف در یک طرف:

(۱) جنگ (عملیات) واحد (۲) جنگ (عملیات) مشترک

(۳) جنگ (عملیات) مرکب

۲۲. تقسیم‌بندی از نظر تطّور تاریخی در نوع سلاح و آرایش و نحوه جنگیدن:

(۱) جنگ‌های بدوی: بدون ابزار یا با ابزار اولیه طبیعی مثل چوب، استخوان

و سنگ و یا ابزار مصنوعی ساده از قبیل شمشیر و گرز و کمان و سپر.

(۲) جنگ‌های نسل اول: که اولین نسل از جنگ‌های جدید است و جنگ‌های

جدید از زمانی است که سلاح‌های آتشین اختراع می‌گردد. در نسل اول جنگ‌های

جدید، توپخانه در جلو و پیاده به صورت خطی پشت آن حرکت می‌کرده. مثل

جنگ‌های ناپلئون.

(۳) جنگ نسل دوم: که خصیصه این جنگ تغییر در نحوه آرایش تاکتیکی

صحنه جنگ است و در آن پیاده به ستون در جلو و توپخانه پشت سر با قدرت

آتش زیاد و یگان‌های هوایی و زرهی با حداکثر قدرت آتش، جنگ را پشتیبانی می‌نمایند. مثل جنگ جهانی دوم.

۴) جنگ نسل سوم: که در آن از سلاح‌های هوشمند استفاده می‌شود. مثل جنگ امریکا و عراق.

۵) جنگ نسل چهارم: که پیش‌بینی می‌شود جنگ نرم و رایانه‌ای باشد، گونه‌ای که بدون کاربرد خشونت سخت، دشمن را بتوان تسلیم اراده خود نمود و نهایت آن جنگ سایبری است.

۶) جنگ نسل پنجم: که می‌توان به عنوان یک فرضیه آن را چنین خلاصه نمود که جنگ‌های توأمان فضایی و سایبری خواهد بود.

۲۳. تقسیم‌بندی از نظر شکل تولید ثروت یعنی کار، ابزار کار و شیوه کار اقتصادی بشر (با توجه به جدید بودن انواع این تقسیم‌بندی، شرح بسیار مختصری از هر کدام را در اینجا می‌آورم).

۱) جنگ بدوی: قبل از اسکان‌های دائمی بشر که زندگی انسان با شکار و استفاده از گیاهان طبیعی تأمین می‌شد.

۲) جنگ موج اول: انقلاب کشاورزی باعث اسکان‌های دائمی گردید و در نتیجه دولت شهرها ایجاد شد و مازاد کشاورزی خانوار برای دولت شهرها قدرت را به همراه داشت و توسعه سرزمین دولت شهرها جنگ‌های موج اول را در ارتش‌های کوچک داوطلب و سپس منظم و بزرگتر با همان ابزار از نوع کار کشاورزی مثل تبر، شمشیر، نیزه و... ایجاد نمود.

۳) **جنگ موج دوم:** این نوع جنگ با انقلاب صنعتی که شیوه تأمین زندگی انسان‌ها را دگرگون ساخت آغاز گردید. تولید انبوه در اقتصاد، نابودی انبوه در جنگ و ارتش‌های انبوه و صنعتی کردن مرگ را در پی داشت. جنگ جهانی اول و دوم از این نوع است.

۴) **جنگ موج سوم:** شکل تازه تولید ثروت که تولید گزینشی و سفارشی و هوشمند را جایگزین تولید انبوه کرد موج سوم جنگ را هم ایجاد نمود. می‌توان گفت این جنگ با جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ جلوه خویش را نمودار ساخت. به قول الوین تافلر نویسنده کتاب جنگ و ضد جنگ در طول تاریخ شیوه جنگیدن زنان و مردان بازتابی بوده است از شیوه کارشان.

در هر صورت مبانی جنگ موج سومی چنین است:

عوامل تولید، ارزش‌های ناملموس، انبوه‌زدائی، کار غیرمستقیم (کار یقه سفیدها)، نوآوری، مقیاس، سازمان‌دهی در مرزهای غیرملی، انسجام پست‌ها، زیرساخت‌های الکترونیکی، شتاب و سرعت.

توجه داشته باشیم که این همان تقسیم‌بندی از نظر تطّور تاریخی است، لیکن از منظر ابزار و شیوه تولید و کار اقتصادی نه از زاویه نگاه به شیوه و ابزار و سلاح جنگی.

البته جنگ خارج از بعد نظامی صرف، تقسیمات دیگری دارد که مواقعی جنبه نظامی را هم دارا است:

مثل جنگ اقتصادی - جنگ مذهبی - جنگ تبلیغاتی - جنگ اطلاعاتی - جنگ الکترونیکی - جنگ دیپلماتیک - جنگ تکنولوژیکی - جنگ مادی - جنگ

معنوی که البته شاید بهتر باشد این پسوندها را در بعضی موارد دلایل جنگ‌های نظامی و یا در مواردی شیوه‌ها و یا ابزاری برای جنگ نظامی بدانیم. ولی بهر حال اصطلاح و یا عنوان جنگ به آنها هم داده شده است.

در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که هر کدام از مبانی تقسیم فوق و هر کدام از انواع، خود تعاریف مختلف و بعضاً تقسیماتی را نیز دارا هستند که از شرح و بسط آنها به دلیل کم حجم کردن مطلب پرهیز کرده‌ام.

جنگ در قرن بیستم

قرن بیستم با تعاریف مختلفی که از جنگ در دنیای غرب و شرق ارائه شد را می‌توان قرن فجایع انسانی یا قرن جنگ‌های ویرانگر نامید. در این قرن قریب به حدود ۳۰۰ جنگ و درگیری رخ داده است؛ یعنی به طور متوسط سالی سه جنگ که از این تعداد دو جنگ بین‌المللی نیز وجود داشته و مجموع تلفات انسانی جنگ‌های این قرن حدود ۲۵۰ میلیون نفر بوده است.

وقوع بسیاری از این جنگ‌ها در غرب به اصطلاح متمدن بوده، بخصوص دو جنگ جهانی و نبرد بالکان.

بسیاری از این جنگ‌ها حاصل تفکرات استراتژیکی و سیاسی غرب و مواردی استکبار شرق بوده است. مثل جنگ ویتنام و کره.

بسیاری دیگر از جنگ‌ها هم که در شرق رخ داده و محل وقوعش در غرب نبوده با انگیزه و چراغ سبز و تحریک غرب بوده و یا عامل آن غرب بوده است. مثل غصب فلسطین و نبرد اعراب و اسرائیل غاصب و حمله ناجوانمردانه امریکا به افغانستان مظلوم، فقیر و محروم و بی‌دفاع و در قرن ۲۱ حمله به کشور عراق و بالأخره حمایت همه جانبه از اسرائیل غاصب در بیش از نیم قرن علیه مسلمانان.

تلفات بالای جنگ‌های قرن بیستم هم نتیجه پیشرفت علم و تکنولوژی در این قرن، بدون اخلاق بوده است، یعنی علم بدون اخلاق. البته بحث جنگ در قرن بیستم خود یک کتابی را شامل می‌شود که دربردارنده نام جنگ، محل وقوع، طرفین آن، دلایل آغاز جنگ، نحوه پایان جنگ یا مخاصمه، تلفات و نتایج جنگ بوده و ان شاء الله به زودی کار تألیف آن پایان رسیده و به دست چاپ خواهم سپرد

و در این صفحه منظورم فقط بیان یک جمله برای بیان فاجعه‌آمیز بودن قرن بیستم بوده است.

«علم توحید هم اگر بدون تهذیب نفس باشد باعث هلاکت می‌شود»

«امام خمینی^(ره)»

جنگ از منظر قرآن و حدیث

البته در این مبحث، کتاب‌ها نوشته شده و کتاب‌ها باید نوشته شود و به دلیل اهمیت آن از نظر احکام جهاد، بابی در فقه است به نام باب جهاد و آداب و مقررات آن. ولی ما در یک نگاه سریع و در چند دقیقه به آن می‌پردازیم. اولاً جنگ در این دیدگاه بیشتر تحت عناوین قتال و جهاد آمده است. ثانیاً در قریب به ۳۰۰ آیه از آیات قرآن کریم به صورت مستقیم و علنی و یا غیرمستقیم و ضمنی در خصوص قتال و جهاد به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام وحی شده است.

بیشترین آیات قرآن کریم در خصوص جنگ در سوره‌های زیر است:
 بقره، آل عمران، نساء، انفال، توبه و بعد در سوره‌های زیر این مباحث در هر سوره در چند آیه وجود دارد حج، مائده، نحل، عنکبوت، حدید، عادیات، احزاب، حجرات، صف، حشر، فتح و سوره محمد(ص).

در قرآن کریم بحث قتال و کارزار را تحت عناوین مختلف در حدود ۲۶ عنوان کلی و به این شرح می‌توان جستجو نمود: روح جنگ - تعلیمات جنگی - سربازگیری - دعوت به زیر سلاح رفتن - لشکر و ارتش - معجزات نظامی - مرگ در راه خدا - پیروزی - شکست - سلاح - اسب - غنیمت جنگی - اسیران جنگی - نظامیان نافرمان - جاسوسی در جنگ - قشون کشی - ملاحظات جنگی - ترغیب و تحریص لشکریان - شهید - اجر مجاهدان - اجر یاوران مبارزین - کشتن دشمن - تعقیب دشمن - مقررات جنگ - عدالت در جنگ - یاری خدا نسبت به

جهادگران و این عناوین در قریب به ۱۷ سوره قرآن و در جمع حدود ۳۰۰ آیه مذکور است.

البته باتوجه به ترجمه و تفسیرهای مختلف این اعداد و عناوین در نظر و تفسیر علماء مختلف فرق می‌کند. اینکه ذکر کردم میانگینی است که در اغلب تقسیم‌بندی‌ها وجود دارد، ولی هم‌اکنون با کارهای ابتکاری و جدید نرم‌افزاری دامنه و عمق تحقیق در این زمینه بسیار مطلوب است و برای محققین نظامی فرصت مغتنمی است.

در احادیث شریف معصومین هم بیش از همه در فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه و دیگر کتب حدیث که از ایشان نقل شده به دلیل حکومت‌داری و امامت و خلافت آن حضرت، در این زمینه در اغلب موضوعاتی که در خطبه‌ها وجود دارد و همچنین در نهج‌الفصاحه و صحیفه سجادیه و احادیث مربوط به امام حسین و بعد سایر ائمه معصومین می‌توان در این خصوص مطالب فراوانی یافت.

یکی از آنها را در ابتدای بحث از فرمایشات حضرت امیر برایتان ذکر می‌نمایم:

«فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَا حَصَّنَهُ وَأُولِيَائِهِ. وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، وَجُنَّةُ الْوَثِيقَةِ»

نکات عمده و فرازهای اساسی را در خصوص جهاد و قتال در قرآن بخصوص سُوَر و آیاتی که ذکر شد و احادیث، یا بطور کلی در اسلام و از بررسی علماء و فقهای مسلمان به صورت خلاصه خدمتتان عرضه می‌دارم و درنهایت پس از جمع‌بندی این عرایض و انواع جهاد به تعریف جنگ در اسلام اشاره خواهم کرد.

۱- قتال و جهاد دو عنوان است که برای لفظ جنگ در متون اسلامی بیش از سایر عناوین وجود دارد. هر جا از این به بعد تا پایان این بحث لفظ جنگ و نبرد بکار برده شد، (این دو یعنی) قتال و جهاد را در ذهن خود متبادر فرمایید.

۲- این دو عنوان یا کل جنگ، هم در جنبه دفاعی کاربرد دارند و هم در تهاجمی یا جنگ ابتدایی که البته در این نوشتار فرصت نیست برایتان شرح بدهم. تهاجم هم در منظر اسلام با هدف دفاع از دین حق و کلمه الله است نه تهاجم برای بسط سرزمین یا بدست آوردن نتایج دیگر؛ یعنی در مجموع رسالت جنگ در اسلام دفاع است.

۳- وقتی جنگ الهی است، که ناشی از ایمان به خدا و رسول خدا و در راه خدا باشد و در مقابل آن جنگ در راه طاغوت است. یعنی قتال فی سبیل الله، قتال فی سبیل الطاغوت. به عبارت دیگر در کل دو نوع جنگ داریم: جنگ الهی یا جهاد و جنگ شیطانی

تعاریف و مصادیق جهاد و یا قتال فی سبیل الله و یا منظورهای آن به شرح زیر است:

۱. جنگ، مقابله قهرآمیز با آنانی است که به مؤمنین ظلم روا داشته و آنها را آواره کرده‌اند.

۲. جنگ، اقدام برای امر به معروف و نهی از منکر عمومی یا علیه قدرت حاکم با ابزار قهرآمیز است وقتی دیگر راه‌ها به نتیجه ختم نشده یا نمی‌شود.

۳. جنگ، اقدام مسلحانه برای دفع شر افراد شرور از سرزمین مسلمین است.
۴. جنگ، اقدام مسلحانه به عنوان دفاع در مقابل آغازگر جنگ یعنی کفار و مشرکین حربی و منافقین است.
۵. جنگ، عمل مسلحانه برای دفع و یا ممانعت از فساد در روی زمین است.
۶. جنگ، مبارزه قهرآمیز با آنانی است (طاغوت‌ها) که خلق خدا را از راه خدا باز می‌دارند.
۷. جنگ، تلاش قهرآمیز برای برقراری امنیت در جامعه اسلامی و امت اسلامی است.
۸. جنگ، مبارزه مسلحانه در پاسخ به ندای مظلومین است که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند (دفاع از مستضعفین).
۹. جنگ، برخورد مسلحانه با پیمان‌شکنان است تا به عهد خود تن بدهند.
۱۰. جنگ، اقدام مسلحانه برای حفظ جان و مال و ناموس مسلمین یا دیگرانی است که در پناه مسلمین زندگی می‌کنند.
۱۱. جنگ، اقدام با اسلح برای بازپس‌گیری آنچه که به ظلم گرفته شده است (مال، زمین، حکومت،...)، می‌باشد.
۱۲. جنگ، اجرای عدالت با قوه قهریه است.
۱۳. جنگ، تلاش برای بازدارندگی دشمنان و دور کردن طمع آنان از مسلمین و سرزمین مسلمین است.
۱۴. جنگ، تلاش قهرآمیز برای کور کردن چشم فتنه - قبل از اینکه به عمل تبدیل شود - است (رفع تهدید یقینی قبل از اقدام).

۱۵. جنگ، اقدام مسلحانه برای حفظ و تعظیم شعائر الهی است.
۱۶. جنگ، استفاده از سلاح برای جلوگیری از خونریزی توسط دشمنان است.
۱۷. جنگ، تلاش قدرتمندانه برای حفظ عزت و اعتلای اسلام و مسلمین است.
۱۸. جنگ، رویارویی مسلحانه با آنانی است که با خدا و رسول خدا می‌جنگند (با احکام نورانی اسلام می‌جنگند).
۱۹. جنگ، استفاده از زور در مقابل آنانی است که می‌خواهند مکتب اسلام از بین برود.
۲۰. جنگ، اقدام مسلحانه برای دفع تجاوز از سرحدات سرزمین‌های اسلامی است.
۲۱. جنگ، مقابله با دشمن یا دشمنان خدا، پیامبر، دین اسلام و با دشمنان مسلمین و مستضعفین است، به منظور کشتن و نابود کردن و یا تسلیم کردن آنان، با احتمال کشته شدن یا نابود شدن.
۲۲. جنگ، هر اقدام مشروع برای پیروزی اسلام و مسلمین در مقابل دشمنان - از کفار و مشرکین و متجاوزین - است.

- جنگ با دشمن در سرزمین دشمن

۸. انواع جنگ از نقطه نظر زمان وقوع دفاع

- دفاع پیشگیرانه (وقتی فتنه‌انگیزی دشمن معادل یا برتر از جنگ است یا اقدامات

دشمن نشان از قصد قطعی دشمن به حمله دارد) یا قبل از حمله دشمن

- دفاع همزمان یا بلافاصله بعد از وقوع حمله دشمن

- تعقیب دشمن برای نابودی حاکمیت و قدرت دشمن

۹. تقسیم‌بندی از نظر بازدارندگی حمله دشمن

- اقدامات بازدارنده نظامی (با افزایش توانایی‌های دفاعی) جهت از بین بردن

فکر و میل حمله و تجاوز در دشمن

- اقدامات بازدارنده غیرنظامی (داشتن قدرت چانه‌زنی دیپلماتیک، توان برتر

اقتصادی، افزایش وحدت ملی و...)

- اقدامات تدافعی نظامی در مقابل حمله وقوع‌یافته در اولین مرحله مکانی و

زمانی

۱۰. انواع جنگ از نظر نیت عملی اقدامات

- پاسخ متقابل برای دفع تجاوز

- تنبیه متجاوز برای از بین بردن ریشه تهاجم

۱۱. انواع جنگ با عنایت به شیوه جنگیدن یا آرایش نیروها

- عملیات نفوذی (گشتی رزمی - دستبرد - تاخت) یا جنگ نامنظم.

- دفاع با تمام توان در رویارویی (لشکرکشی منظم)

۱۲. تقسیم جنگ از نظر سازمان برای رزم (ساختار سازمانی) یا نوع یگان

- جنگ پیاده نظام

- جنگ سواره نظام

۱۳. انواع جنگ از نظر سلاح

- دفاع با یگان سبک اسلحه یا جنگ با اسلحه سبک
- دفاع با یگان سنگین اسلحه یا جنگ با سلاح‌های سنگین

۱۴. جنگ از نظر تحرّک تاکتیکی

- جنگ در حضر (دفاع ثابت) - جنگ در سفر (دفاع متحرک)

۱۵. جنگ از نظر نوع ابزار

- جنگ نرم، مقابله با فتنه دشمن (رویارویی با جنگ نرم دشمن)
- جنگ سخت، مقابله با قدرت فیزیکی دشمن (رویارویی با جنگ سخت دشمن)

۱۶. انواع جنگ از نظر مبانی اعتقادی و اخلاقی طرفین مقابل جنگ

- جنگ با کفار و مشرکین
- جنگ با منافقین
- جنگ با پیمان‌شکنان (می‌توانند دو طرف جنگ مسلمان باشند)
- جنگ با غلات و خوارج (که ممکن است مسلمان اطلاق شوند)
- جنگ با ظالم (ممکن است مسلمان باشند، ظالم داخلی یا خارج از مرزها)

۱۷. انواع جنگ از نظر آگاهی دشمن یا اطلاع یافتن او

- جنگ اعلام یا اعلان شده - جنگ غافلگیر کننده

۱۸. انواع جنگ از نظر مدت زمان ادامه جنگ

- سریع - کوتاه مدت - بلند مدت

۱۹. جنگ از نظر زمان جهت نتیجه گیری

- قدرت و مقاومت - تازش و سرعت

۲۰. جنگ از نظر محدوده حاکمیت و یا مقابله با آن

- جنگ با دشمنی که از خارج حاکمیت حکومت اسلامی اقدام به تجاوز می‌کند.

- جنگ با دشمن داخلی که در محدوده حاکمیت اسلامی با حکومت می‌جنگد (پیمان شکنان، خوارج، بغات و...)

- جنگ با برهم‌زنندگان امنیت، آسایش و نظامات اجتماعی (محاربین، اشرار، مفسدین فی الارض متشکل و مجتمع)

- جنگ قبیله‌ای - قومی - گروهی (دو قوم یا گروه مسلمان در یک سرزمین اسلامی به دلیل اختلافات با یکدیگر می‌جنگند نه با حکومت)

۲۱. تقسیم‌بندی از نظر عاملیت (حضور) در جنگ:

- مباشرتی (اصلتی) - نیابتی - حمایتی

۲۲. تقسیم‌بندی جنگ در هنگام محاصره و یا اشغال سرزمین یک طرف:

- مقاومتی - پارتیزانی (چریکی) - مبارزه منفی

حال با ذکر این تقسیمات و توضیحات قبل می‌توانیم به تعریف از جنگ در قرآن و حدیث برسیم. در اینجا باید یادآور شوم که هر کدام از این تقسیمات نیاز به شرح و توضیح جامع دارد که ان‌شاءالله در کتاب مفصل دیگری به آن خواهم پرداخت.

تعریف جنگ در اسلام و اهداف آن

در اینجا دو تعریف از جنگ از منظر اسلام و یا دو تعریف از قتال و جهاد ارائه می‌نمایم که یک تعریف کوتاه و دیگری طولانی‌تر است.

- تعریف کوتاه:

در یک عبارت قتال و جهاد در اسلام عبارتست از: رویارویی، زد و خورد، کشتن و کشته شدن جهت تسلیم و یا وادار نمودن طرف مقابل به امری در راه خدا یا در راه طاغوت

- تعریف مشروح

در یک عبارت قتال و جهاد در اسلام عبارتست از: دفاع از اسلام، جان، مال، عرض، نوامیس، مسلمین و مستضعفین و پناه‌جویان به مسلمین با نیت قربۀ الی الله و در چهارچوب اوامر و نواهی حضرت حق جل جلاله با امکانات قهرآمیز یا غیر قهرآمیز در مقابل دشمنانی که قصد تجاوز و یا اقدام به تعدی به امور مزبور را داشته یا نموده‌اند.

«ما با هیچ کشوری چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم.»

«امام خمینی^(ع)»

اهداف جنگ در اسلام با عنایت به موارد پیش گفته، عبارتند از:

- اعتلای کلمه الله و اسلام عزیز؛
- ایجاد و حفظ امنیت؛
- برقراری و حفظ آرامش؛
- استقرار عدالت در سرزمین‌های اسلامی و مسلمین، و هم‌پیمانان آنان؛
- حفظ و اعتلای عزت و اقتدار مسلمین.

نتایج جهاد اسلامی

در یک عبارت این نتایج را می‌توان حاصل جهاد فی سبیل الله دانست:

- بخشش گناهان رزمندگان؛
- کسب رضایت الهی؛
- فتح و نصرت مادی؛
- فوز عظیم شهادت و رضوان الهی؛
- عزت دنیوی و اخروی که می‌توان در آیات ۱۰ الی ۱۳ سوره صف آن را یافت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذْكَكُمْ عَلَي تِجَارَةٍ تُجِيعُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾

تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾

يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

وَ أُخْرِي تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بُشْرَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

(آیات ۱۰ الی ۱۳ سوره صف)

«ایران قبله عالم» (ژئوپولتیک ایران) عنوان کتابی است نوشته گراهام
ای فولر تحلیل‌گر عالی‌رتبه سازمان جاسوسی سیا که ۲۰ سال در
خاورمیانه زندگی کرده است؛ مطالب این کتاب مبنی بر اهمیت ژئوپولتیک
ایران از دید دشمنان ماست.

چون مهم‌ترین دلیل تحمیل جنگ به ایران اسلامی را وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییرات ژئوپولیتیکی حاصل از آن می‌دانم، ناگزیر به تعریف کوتاهی از ژئوپولتیک و بعد وضعیت ژئوپولتیکی قبل و بعد از انقلاب می‌پردازم.

ژئوپولتیک (سیاست زمین)

در اینجا به کوتاه‌ترین و از طرفی ساده‌ترین تعریف از ژئوپولتیک اشاره می‌کنیم:

علم ژئوپولتیک علم بررسی آثار محیط بر سرنوشت سیاسی ملل است. از تعریف بالا نتیجه می‌گیریم که منطقه ژئوپولتیک منطقه‌ای است که محیط آن تأثیری عمیق بر سیاست‌های منطقه‌ای یا جهانی دارد. البته محیط، صرفاً جوّ و زمین نیست، بلکه از نظر آب و هوا، رودها، دریاها، نوع خاک، نوع پوشش زمین، ثروت، منابع زمینی و زیرزمینی و دریایی و زیر بستر دریا، راه‌ها، معابر، موانع طبیعی و وضعیت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و... مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بین دو دسته عوامل ثابت و متغیر ژئوپولتیک، مهم‌ترین عامل یا عنصر را باید انسان نامید: در خصوصیات مختلف، جنسیت، سن، نژاد، هوشمندی، فرهنگ، دانش، باورها و اعتقادات و قابلیت که همه از ابعاد مهم انسانی در عنصر ژئوپولتیک هستند.

موقعیت ژئوپولیتیکی ایران

ایران ما در جنوب غربی آسیا بین ۲۵ الی ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۵ الی ۶۳ درجه طول شرقی از گرینویچ و در منطقه خاورمیانه قرار دارد.

اصطلاح خاورمیانه در ۱۹۰۲ توسط دریاسالار امریکایی آلفرد ماهان بکار گرفته شد. چون از اروپا به خلیج فارس می‌نگریست به آن خاورمیانه گفت. خاورمیانه بین ۲۰ تا ۴۰ درجه عرض شمالی و ۲۵ تا ۶۴ درجه طول شرقی است.

چند ویژگی خاورمیانه که به آن موقعیت ژئوپولیتیکی داده است در یک عبارت به شرح زیر است:

خاورمیانه یکی از ده منطقه ژئوپولیتیک دوران جنگ سرد است؛ یعنی از سال ۱۹۴۷ تا زمان فرو ریختن دیوار برلین (در سال ۱۹۸۹) یا فروپاشی شوروی سابق (در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱)، جهان بین دو قلمرو استراتژیکی بری و بحری تقسیم می‌شد که رهبری استراتژی بری را شوروی سابق و استراتژی دریایی یا بحری را غرب به رهبری امریکا اداره می‌کرد. البته این سیاست بحری ۳۰۰ سال دست انگلیس‌ها بود.

در این دو استراتژی ده منطقه ژئوپولیتیک وجود داشت که خاورمیانه یکی از آنها و شاید مهم‌ترین آنها بود. این ده منطقه عبارت بودند از:

- شرق آسیا،
- آسیای ساحلی،
- آسیای جنوبی،
- آسیای جنوب شرقی،

- خاورمیانه،
- اروپای ساحلی (غربی)،
- اروپای شرقی (هارتلند)،
- امریکای جنوبی،
- امریکای کارائیب (انگلوساکسون)،
- افریقای جنوبی.

در اینجا ضروری می‌دانم به تعدادی از ویژگی‌های مهم خاورمیانه نیز اشاره داشته باشم تا به اهمیت ژئوپولیتیک آن و به تبع آن اهمیت ایران اسلامی بیشتر پی ببریم:

ویژگی‌های مهم خاورمیانه

۱. محل اولین تمدن‌های بشری در دهانه نیل و در جنوب ایران و دهانه خلیج فارس.
۲. نخستین امپراتوری جهانی، هخامنشیان ۵۵۰ قبل از میلاد در این منطقه تشکیل شد.
۳. خاستگاه تمام ادیان بزرگ الهی، اسلام، مسیحیت و یهود (کعبه، بیت‌المقدس و اورشلیم).
۴. خطوط مواصلاتی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا.
۵. شبه جزیره‌ای است میان دریای سیاه، مدیترانه، دریای سرخ، خلیج فارس و اقیانوس هند.
۶. فعال‌ترین مرکز اقتصاد جهان (اولین چاه نفت در ۲۶ اوت ۱۹۰۸ در مسجد سلیمان زده شد) قریب به ۷۳٪ نفت جهان در خاورمیانه است.
۷. مهمترین گذرگاه نفتی دنیاست.
۸. پنج گذرگاه استراتژیک آبی دنیا در آن قرار دارد (بسفر، داردانل، جبل الطارق، باب المندب و هرمز).
۹. به وجود آوردن حکومت غاصب اسرائیل در منطقه در سال ۱۹۴۸ (موجودیت جعلی رژیم صهیونیستی) در خاورمیانه.
۱۰. تشکیل حکومت شیعی انقلابی جمهوری اسلامی ایران و قبل از آن هم بزرگترین ملت شیعی جهان در این منطقه.

۱۱. وجود حکومت های دست‌نشانده غرب در منطقه خاورمیانه.

سال ۱۹۵۰ به دلایلی که فهرستی از ویژگی‌های ژئوپولتیک ایران است و در صفحه بعد خواهد آمد، امریکا و غرب و سپس شوروی، ایران را محور تعادل منطقه حساس خاورمیانه انتخاب کردند.

ویژگی‌های عمده ژئوپولیتیک ایران قبل از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی

۱. ایران قریب به ۵۰۰ سال موقعیت بین‌المللی دارد (تبادل سفیر و حضور در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی).
۲. دارا بودن قریب به ۲۵۰۰ کیلومتر ساحل عملیاتی در خلیج فارس و دریای عمان.
۳. حوزه خلیج فارس جایگزینی برای غرب و شرق نداشته و ندارد.
۴. منابع نفت و گاز در خلیج فارس بزرگترین منابع در جهان است.
۵. مهم‌ترین معبر یا محور صدور نفت و گاز از خلیج فارس می‌گذرد.
۶. اوپک بر حول محور خلیج فارس و ایران و عربستان می‌گردد.
۷. دو نقطه استراتژیک مهم در خلیج فارس است: تنگه هرمز و مرکز ۳ جزیره ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی) که جزء تمامیت ارضی و در حاکمیت ایران است.
۸. حلقه امنیتی دنیای غرب در جنوب شوروی (قبل از انقلاب).
۹. جزیره ثبات، برای تأمین تجارت دریایی بویژه صدور نفت ارزان یا بهتر بگویم مجانی در خلیج فارس است (آنها (غرب) در سال ۱۹۲۵ محاسبه کرده‌اند قیمت نفت حوزه چقدر باشد که معادل استخراج نفت در امریکا درآید. ۱۲ تا ۱۸ دلار برآورد شد).
۱۰. پل ارتباطی آسیا، اروپا و آفریقا و شبه قاره هند.

۱۱. شریک معنوی حکومت غاصب اسرائیل و هم‌پیمان اسرائیل در مقابل نهضت پان عربیسم و حرکت‌های آزادی‌خواهانه در منطقه و در حقیقت مقابله با آرمان فلسطین (قبل از انقلاب).
 ۱۲. محور نفوذ احتمالی شرق به حیطة ژئواستراتژی بحری غرب و مانع نفوذ حریف به منابع و معابر صدور انرژی (قبل از انقلاب).
 ۱۳. شریک نظامی غرب در منطقه با به عهده گرفتن هزینه‌های اقدامات نظامی (بدون حضور یا با حضور کم آنها) (قبل از انقلاب).
 ۱۴. حضور عراق و سوریه در جبهه شرق و (یعنی عراق هم‌پیمان استراتژیک شوروی) در همسایگی یا فراهم‌سایگی ایران (قبل از انقلاب).
 ۱۵. مذهب شیعه و فلسفه مبارزه مردمی و زیرکی و هوشمندی ایرانیان (قبل از انقلاب).
- اینها تعدادی از عناصر یا ابعاد اهمیت جغرافیای سیاسی کشور ما تا قبل از انقلاب بود که بسیاری از آنها هنوز باقیست و تعدادی نیز با انقلاب شکوهمند اسلامی ایران دگرگون گردید.^۱

۱. چهارده نقطه استراتژیک دوران جنگ سرد با عنایت به موقعیت جغرافیایی این نقاط یا نقاطی که اطراف این مناطق قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- ۱- باب‌المندب (دریای عدن - دریای سرخ)
- ۲- جبل الطارق (اسپانیا، مراکش، پرتغال در دریای مدیترانه)
- ۳- دریای مرمره (تنگه بسفر بین دریای سیاه و مرمره و داردانل بین مرمره و مدیترانه)
- ۴- خلیج مکزیک
- ۵- تنگه ماژلان در انتهای امریکای جنوبی (بین اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر)

عمده این موارد قرار گرفتن ایران به عنوان اهرم سیاست‌های غرب به سرکردگی امریکا در منطقه را ایجاد کرده بود و ایران زمان قبل از انقلاب مهره اصلی و عامل اجرای سیاست‌های امریکا برای حفظ امنیت منطقه در جهت منافع نامشروع امریکا و کمک به تضمین امنیت اسرائیل غاصب و سرکوب نهضت‌های آزادی‌بخش در منطقه و جلوگیری از گسترش این نهضت‌ها و ممانعت از نفوذ کمونیست در منطقه بود و با این سناریو برای ایران تمام ساختار کشور چه ساختار حکومتی مرکب از سه قوه و ساختار نظامی و ساختارهای دولتی و غیردولتی، علمی، فرهنگی - هنری، رسانه‌ای، صنعتی و... آن طور که استراتژی بحری در جهت منافع خودش می‌خواست شکل می‌گرفت و ایفای نقش می‌نمود و از طرفی برای بازدارندگی (البته بازدارندگی با شیوه خفت، نه قدرت) از آسیب رسیدن توسط شرق و با پایان سیاست مهار و آغاز سیاست بازدارندگی امریکا، تا حدودی خواسته‌های ابرقدرت شرق نیز حداقل در موارد تجاری و بازرگانی نظامی تأمین و برآورده می‌شد.

۶- تنگه پاناما در امریکای کارائیب (بین اقیانوس اطلس و کبیر) در سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ ساخته شده

۷- دماغه امید نیک در جنوب افریقا

۸- دماغه هورنیک (هورن) در جنوب امریکای جنوبی

۹- جزایر کوریل بین روسیه و ژاپن

۱۰- تنگه مالاکا در شمال سوماترا و جنوب مالایا

۱۱- شاخ افریقا (سومالی)

۱۲- تنگه هرمز در خلیج فارس

۱۳- مرکز سه جزیره ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک

۱۴- کانال سوئز (دریای سرخ مدیترانه).

* تبصره: بعضی‌ها تنگه گات‌گات و اسکارژاک یا اسکا‌بژاک بین اسکاندیناوی و دانمارک (بین دریای شمال و بالتیک) و کانال مانش (یا گریس) در شمال فرانسه را هم جزو نقاط استراتژیک می‌دانند.

بعضی تنگه یخ‌زده برینگ در مجاورت آلاسکا در آب‌های یخ‌زده اقیانوس منجمد شمالی را در صورت فعال شدن تجارت زیردریایی از نقاط استراتژیک آینده می‌دانند.

با توجه به حاکمیت غرب در ایران اقتصاد، سیاست، نیروهای مسلح، صدا و سیما، هنر، رسانه‌ها و وزارتخانه‌های ما تماماً مروج و مدافع غرب و فرهنگ غرب و امریکا آن هم نه ارزش‌های انسانی و علمی آن که مدافع فرهنگ مصرفی و مبتذل و عامل اجرای سیاست آنها در تمامی موارد بودند و ارتش گرچه مأموریت دفاع از مرزها و برخورد با متجاوزین را داشت، ولی بازوی مسلح چنین نظامی بود. دین می‌رفت که از ایران اسلامی زدوده شود و دیندار و مُبَلِّغ دین چهره منفور پیدا کند. این خواسته حکومت بود، آزادی نه آزادی انسانی که آزادی امیال شهوانی غرب و آزادی در قواره‌های آنان بود.

این وضع حساس جغرافیای سیاسی کشورمان و این هم وضع حکومت و نهادهای آن که در تمامی زمینه‌ها مستشاران خارجی حاکم بودند، کشور از هر نظر یکی از اقمار دست‌نشانده امریکای ابرقدرت بود.

مهم‌ترین تغییرات ژئوپولیتیکی بعد از انقلاب

- حال به زعامت بزرگمرد جهان اسلام و احیاگر اسلام ناب محمدی ﷺ حضرت امام‌مقدس، انقلاب شکوهمند اسلامی در سرزمین امام زمان ﷺ تحقق یافت.
- انقلابی که: آقایی امریکا در ایران را به تنفر از سلطه‌گری امریکا تبدیل نمود.
- منافع نامشروع امریکا را در ایران اسلامی ریشه‌کن کرد و در منطقه مورد تهدید قرار داد.
- انقلابی که ایران را از هم‌پیمان رژیم غاصب اسرائیل به بزرگترین دشمن رژیم اشغالگر قدس مبدل کرد.
- ایران را از وابستگی سیاسی و اقتصادی به استقلال هدایت کرد.
- خفقان و دیکتاتوری شاهنشاهی به آزادی الهی مردم ایران تبدیل شد.
- یعنی این انقلاب بزرگترین عامل تغییرات اساسی در ژئوپولیتیک کشورمان بود.
- از طرفی غیر از خصلت ضداستبدادی و ضداستعماری و ضداستثماری آن، این انقلاب یک تفکر جدید را مطرح نمود؛ یک نگرش جدید به هستی را برای جوامع و مردم ارائه کرد (دین‌باوری و وحدت ملی مبتنی به آن عامل نجات است).
- یک روحیه ایستادگی و اطاعت‌ناپذیری از ساختار سلسله مراتبی دوران جنگ سرد را (که بر محور سیاست سلطه و ابزار نظامی و جوّ سرکوب و ستیز بود) ایجاد نمود.

- یک منش جدید سیاسی در تبیین استقلال از شرق و غرب را ارائه نمود.
 - یک معنویت در نفی خداهای دروغین و یک روح مبارزه با طاغوت‌های جهانی را ارائه داد.
 - و در نهایت یک الگوی جدیدی از نظام حکومتی بر مبنای دین پی‌ریزی کرد (مردم سالاری دینی).
- بعد از انقلاب حادثه دیگری در منطقه رخ داد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود که تغییرات ژئوپولتیکی حاصل از آن نصیب جمهوری اسلامی ایران نیز شد؛ که عبارت بودند از:
- همسایگان دریای خزر با قریب به ۱۶٪ منابع شناخته‌شده انرژی جهان از دو به پنج همسایه افزایش یافت. هم‌اکنون دریای خزر از کانون‌های حساس اقتصادی و سیاسی جهان است.
 - به تعبیر دیگر بعد از پایان جنگ سرد جغرافیای سیاسی جدید در منطقه و تبدیل یک کشور به ۱۵ کشور و افزایش همسایگان دریای خزر از ۱ به ۵ به وقوع پیوست. یعنی دریای خزر یک منطقه ژئوپولنومی گردید.
 - اینها تغییرات عمده ژئوپولتیکی ایران اسلامی بعد از انقلاب و بعد از جنگ سرد در جهان بود که بر محور مهم‌ترین عنصر ژئوپولتیک، یعنی انسان می‌چرخید و اهمیت ایران را دو چندان کرد.

- این تغییرات نه تنها در جهت امیال غرب و امریکا نبود، بلکه خواب‌هایی که برای یک‌صد سال آینده ایران و منطقه دیده بودند برهم زد و دست‌های پلید آنان را از این سرزمین کوتاه کرد.

با توجه به تغییرات ژئوپولتیکی که انقلاب شکوهمند اسلامی در منطقه خاورمیانه و ایران اسلامی ایجاد نمود، استکبار غرب با چراغ سبز استکبار شرق به فکر چاره-جویی در حفظ منافع خودش و برگرداندن وضعیت ایجادشده به شرایط قبل از انقلاب برآمد.

نکته مهم اینکه با انقلاب اسلامی، ایران که در حلقه امنیتی غرب و در جنوب شوروی قرار داشت از این حلقه خارج و این خط پدافندی به خلیج فارس و مرکز خاورمیانه و با حضور خود غرب و متحدین امریکا منتقل شد و البته نوک پیکان این مأموریت را اسرائیل غاصب به عهده گرفت.

«ایران تنها کشوری است در دنیا که برای خودش به صورت مستقل تصمیم می‌گیرد و این برای ما قابل تحمل نیست.»

«جیمز جونز»

مشاور امنیت ملی او‌باما»

اهداف استکبار از تحمیل جنگ به ایران

با تغییرات ژئوپولیتیکی حاصل از انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران که مستقل از شرق و غرب ایجاد گردید، منافع عمده غرب و امریکا و سپس شرق در منطقه مورد تهدید جدی قرار گرفت. لذا استکبار به فکر مهار این انقلاب، محبوس کردن، به سازش کشیدن، از محتوا تهی کردن و در نهایت ساقط کردن آن افتاد و اقدامات زیادی انجام داد که جنگ در سال ۵۹ آخرین حربه در این مورد بود و جنگ را توسط صدام - که انگیزه‌های فراوان برای این کار داشت - علیه ایران آغاز نمودند. در حقیقت انگیزه و اهداف شرق و غرب بویژه امریکا از تحمیل جنگ به ایران همین‌ها بود.

البته اهداف جنگ از نظر صدام لغو قرار داد ۱۹۷۵، جدایی قسمت‌هایی از ایران و ساقط کردن نظام بود. هدف اربابانش با اهدافی که ذکر شد همخوانی داشت و هدف غائی سقوط نظام دینی در کشور بود.

هم‌اکنون هم یکی از ابعاد تغییرات سیاسی و ژئوپولیتیکی در افغانستان و در عراق را نیز می‌توان محاصره انقلاب اسلامی دانست.

انگیزه تاریخی جنگ ایران و عراق

اختلافات ایران و عراق از قریب به ۵۰۰ سال پیش، یعنی از زمان ایران و عثمانی وجود داشته و دلیل این ادعا قراردادهای مختلفی است که اهم آنها را به شرح زیر فقط نام می‌برم (در مجموع قریب به ۱۸ قرارداد وجود دارد):

- قرارداد آماسیه در ۱۵۵۵ میلادی، بین سلطان سلیمان و شاه طهماسب؛
- قرارداد ذهاب در ۱۶۳۹ میلادی، زمان شاه صفی و سلطان عثمانی؛
- قرارداد کردان در ۱۷۴۶ میلادی، زمان نادر شاه و سلطان عثمانی؛
- عهدنامه ارزروم اول در ۱۸۲۳ میلادی، بین عباس میرزا و دولت عثمانی؛
- عهدنامه ارزروم دوم در ۱۸۴۷ میلادی، بین ایران و عثمانی که براساس آن شرق ذهاب (کردن) مال ایران و غرب ذهاب مال عثمانی شد. ساحل شرقی اروند (خرمشهر و اهواز) برای ایران باقی ماند و سلیمانیه مال عثمانی شد.
- پروتکل اسلامبول در ۱۹۱۳ میلادی، که موافقت شد تعیین خطوط مرزی در هر محل به وسیله کمیسیونی مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی و روس و انگلیس بوده و حل اختلاف هم با روس و انگلیس باشد.
- کمیسیون تجدید حدود در ۱۹۱۴ که در مدت ۹ ماه (تا ۴۸ ساعت قبل از شروع جنگ جهانی اول) کار کرد و ۲۲۷ ستون مرزی از خرمشهر تا آرات نصب نمود، که در آن ۷۰۰ میل مربع از شمال و جنوب قصر شیرین به عثمانی واگذار شد (اراضی اشغالی نفت خانه و خانقین).
- بعد از پایان جنگ اول جهانی کشورهای فاتح امپراطوری عثمانی را تقسیم کردند و در کنفرانس رم (۱۹۲۰) عراق و فلسطین و اردن سهم انگلیس، سوریه و لبنان

سهم فرانسه شدند. برای عراق، فیصل پسر شریف حسین را شاه گذاشتند. لذا اختلافات ایران و عثمانی به ایران و عراق منتقل شد و عراق هم در سال ۱۹۳۲ استقلال یافت.

- در سال ۱۹۳۷ پیمان یا عهدنامه سرحدی بین ایران و عراق منعقد شد که با دخالت انگلیس بر ایران تحمیل گردید، که در آن فقط در مقابل آبادان خط تالوگ مرز دو کشور شد (این اقدام انگلیس جهت جلوگیری از بهره-برداری آلمان‌ها - که در ایران نفوذ داشتند - از این آبراه بود) و بقیه موارد همان قرارداد ۱۹۱۳ بود. ولی همین قرارداد را هم که مبتنی بر پروتکل ۱۹۱۳ بود عراق اجرا نمی‌کرد؛ لذا ایران هم آن را فاقد اعتبار دانست و قطعنامه ۳۴۸ شورای امنیت در پی درگیری‌های مرزی ایران و عراق در ۱۹۷۴ (۱۳۵۲) صادر شد که به موجب آن:

۱. رعایت آتش بس در ۷ مارس ۱۹۷۴ الزامی شد.
۲. عقب‌نشینی سریع و هم‌زمان نیروهای دو کشور از نواحی مرزی مقرر گردید.
۳. اجتناب از اعمال خصمانه و از سرگیری مذاکرات دو کشور بدون پیش شرط مقرر و تأکید شد.

انگیزه ژئوپولتیکی عراق برای جنگ

- عراق در خلیج فارس ۵۸ کیلومتر ساحل دارد و ایران ۱۲۵۰ کیلومتر. عراق به دنبال گسترش این ساحل است (مرز آبی عراق با ایران ۸۵ کیلومتر است).
- عراق می‌خواست نفت کویت یا ایران را هم دارا باشد و در مجموع بتواند بیش از ۳۰٪ نفت خاورمیانه را داشته باشد (عراق ۱۵/۵٪ از منابع نفت خاورمیانه، کویت ۱۴/۶۵٪ و ایران ۱۴/۴۰٪ از این منابع را دارا هستند) و دعوای کویت و عراق هم همین است.
- صدام نگران سرایت تفکر انقلاب اسلامی به شیعیان عراق که اکثریت جمعیت عراق را شامل می‌شوند، بود و ضروری می‌دید انقلاب را محبوس یا نابود نماید.

دلایل روانی آغازگر جنگ

دلایل روانی که مختص شخص صدام است:

- خوی خشونت‌گرایی و جنگ‌طلبی وی.
- جبران تحقیر امضاء قرارداد ۱۹۷۵ که خود وی امضاکننده بوده است.
- تمایل به ایفای نقش عبدالناصر در اعراب (آقای بر اعراب).
- آرزوی ارتقای نفوذ در منطقه و رهبری منطقه خاورمیانه و تأثیرگذاری در تصمیمات جهانی.

دلایل نظامی عراق در تحمیل جنگ

- اشتباه در محاسبه مؤلفه‌های قدرت ملی ایران اسلامی توسط غرب و صدام (وضع کشور انقلابی و ارتش آن) بر اساس مبانی اطلاعات راهبردی آنان از جمهوری اسلامی که در ادامه ذکر خواهیم کرد.
- محاسبه قدرت ملی از دید میلیتاریستی؛
- آمادگی ارتش عراق و کسب آمادگی برتر در چهار سال ۷۵ تا ۷۹ (صرف ۳۰ میلیارد دلار ذخایر ارزی، اختصاص بیش از ۸۰٪ درآمد متوسط ۳/۴ میلیارد دلاری سالانه نفت به امر تجهیز ارتش).
- پیش‌بینی حمایت مستقیم و غیرمستقیم مادی و معنوی کشورهای عربی و غربی از اقدام او (در طول جنگ ۴۶ کشور از عراق حمایت کردند. حتی به اجاره دادن هواپیماهای جنگی و تسلیح وی به سلاح‌های شیمیایی).

اهداف و سیاست راهبردی استکبار و عراق در حمله به ایران

در اینجا اهداف و سیاست راهبردی استکبار و عراق را در حمله به ایران در چند جمله بیان می‌داریم:

استفاده از فرصت به دست آمده از انقلاب اسلامی و فروپاشی ساختارهای منسجم ایران و تضعیف همه‌جانبه آن توسط استکبار برای تصرف قسمت‌های زرخیز ایران اسلامی و تغییر نظام جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از گسترش و صدور انقلاب اسلامی و جایگزین شدن صدام جای شاه و آقایی صدام به جای عبدالناصر در منطقه.

اطلاعات نظامی و ملی راهبردی عراق از ایران

صدام برای تبیین استراتژی نظامی تهاجمی خویش از اطلاعات راهبردی نظامی بهره می‌گرفت که مبانی یا فرضیات آن اطلاعات راهبردی همان مواردی بود که امریکا و استکبار غرب بر آنها یقین داشتند که در اینجا مبانی عمده اطلاعات نظامی راهبردی امریکا در خصوص ایران اسلامی را بیان می‌دارم. لازم به ذکر است که غالب این اطلاعات راهبردی در گزارشات سرویس‌های اطلاعاتی امریکا منتشر می‌گردید:

- خروج ۵۰ هزار مستشار خارجی نظامی از ایران و لذا ناممکن بودن بهره‌برداری از تجهیزات و تأسیسات تکنیکی و نیز ناممکن بودن طراحی‌های مورد لزوم.
- توقف ارسال قطعات مورد نیاز نظامی و صنایع مادر کشور.
- حذف کلیه ژنرال‌های ارتش بویژه در ستادهای طراحی (ستاد ارتش و نیروها).
- مرخص کردن نیمی از کارکنان ارتش و تقلیل ارتش ۴۰۰ هزار نفری به نصف.
- انحلال دو لشکر مجهز و آموزش‌دیده گارد منحله.
- درگیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (که تنها یک سال از تأسیس آن می‌گذشت) با ضدانقلاب و بهره‌گیری از آن برای امنیت داخلی.

- زیرا سپاه در آن زمان یک نیروی سیاسی و مناسب پاسداری از اوضاع داخلی آن هم با کمک ارتش بود.
- نداشتن سازمان رزمی و آموزش مورد نیاز در سپاه برای رویارویی با یک جنگ منظم در صورت رهایی از مبارزه با ضدانقلاب.
 - درگیری آن قسمت از ارتش (که آمادگی رزمی برای حضور در جنگ را داشت) با ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور.
 - انتقالات و انتصابات غیراصولی در ارتش، فرو ریختن انضباط در ارتش، اجرا نشدن آموزش‌های یگانی از سال ۵۷ به مدت دو سال در ارتش، نبود امکان نگهداری مناسب از تجهیزات و تسلیحات ارتش در این مدت و به غارت رفتن شماری از سلاح‌ها و تجهیزات از پادگان‌ها.
 - نداشتن باور به تحقق تهدید آن هم توسط عراق در سران انقلاب و نظام به استثنای حضرت امام^(ع) (که به بقای ارتش تأکید می‌فرمودند و بعد تلاش مقام معظم رهبری که آن وقت نماینده امام در ارتش بوده و بعد هم تمشیت امور ارتش را به عهده گرفتند).
 - تضعیف همه‌جانبه و تحقیر ارتش بویژه بعد از کودتای نقاب که باز حضرت امام و بعد شخص مقام معظم رهبری در حفظ و اقتدار ارتش اقدام نمودند.
 - آغاز تحریم‌ها علیه ایران و وارد نشدن کالاهای مورد نیاز کشور.

- اختلاف و تشتت آرا در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری مسئولین و کارشکنی‌های لیبرال‌ها در امر اداره کشور.
- کاهش صادرات نفت ایران از ۶ میلیون بشکه در روز به ۲ میلیون بشکه و در نتیجه کاهش درآمد نفتی.

در حقیقت این اطلاعات راهبردی نظامی، صدام حسین را به انجام هرچه سریع‌تر حمله به جمهوری اسلامی ایران برای تحقق سیاست راهبردی عراق در خصوص ایران حریص نمود و او را امیدوار ساخت که در این اقدام مطمئناً و به سهولت پیروز خواهد بود. البته همه اینها در حالی بود که صدام حسین قریب به ۳ سال به تقویت همه‌جانبه ارتش خود همت گماشته بود.

اشتباهات فاحش استکبار و صدام در محاسبه مبانی اطلاعات از

ایران

اشتباهات فاحش استکبار و صدام در محاسبه مبانی اطلاعات نظامی راهبردی یا اطلاعات راهبردی ملی در ایران را می‌توان به طور خلاصه به صورت زیر نام برد:

- نداشتن برآورد اطلاعاتی صحیح از قدرت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که این خطای بزرگ راهبردی باعث شد در سه ماه اول جنگ پرونده نیروی دریایی عراق بسته شده و تا پایان جنگ از سواحل خود در خلیج فارس و صدور نفت و واردات و صادرات کالا از طریق بنادر و سواحل خود محروم گردد.
- محاسبه نکردن پتانسیل بالای انقلاب آن هم با زیربنای دینی و روحیه شهادت‌طلبی شیعی.
- نداشتن برآورد صحیح از قدرت معنوی رهبری حضرت امام در قلوب ایرانیان.
- فقد برآورد صحیح از ایجاد وحدت ملی ایرانیان بویژه در شرایط بحران و خطر.
- فراموش کردن این که ایران با تمدن و سابقه تاریخی مدوّن قریب به ۳۰۰۰ سال، توسط همسایه‌ای با وسعت و جمعیت یک‌سوم آن قابل بلعیدن نیست.
- نداشتن برآورد علمی از تیزهوشی و آینده‌نگری و صبر و استقامت مردم ایران اسلامی.

و نهایت این که به قول نویسنده کتاب تاریخ جنگ‌های ایران، آقای علی غفوری، (حتی جنازه ارتش آن روز جمهوری اسلامی ایران آن قدر جان داشت که بتواند از پس یک نیروی جهان سومی حتی اگر دومین قدرت عربی بعد از مصر باشد برآید) بویژه اگر روح مسیحایی امام^(ره) در آن دمیده شود و این امر را حمله هواپیماها در روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ و حمله ۱۴۰ فروندی آنها در اول مهر و نابودی نیروی دریایی عراق در ۷ آذرماه همان سال و توقف و زمین گیر شدن عراق قبل از حصول اهدافش ثابت نمود.

راهبرد نظامی عراق در جنگ با ایران

راهبرد نظامی عراق و حامیان استکباری وی در حمله به ایران و تا پایان جنگ که به دلیل شرایط حاکم بر صحنه جنگ بویژه مقاومت، قدرت رزمندگان و صلابت و درایت امام و روحیه شهادت‌طلبی جمعی، که همه نتیجه ایمان به خدا و اعتقادات متعالی مذهبی بود و در نهایت پیروزی‌های رزمندگان اسلام شکل می‌گرفت و تغییر می‌یافت را در چهار مرحله و به صورت زیر می‌توان خلاصه نمود:

مرحله اول: جنگ برق‌آسا برای نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی و یا حداقل تجزیه آن.

مرحله دوم: تثبیت اشغال (بعد از زمین‌گیر شدن و بعد از تصرف خونین شهر) برای ماندن و فشار به حکومت اسلامی تا سقوط آن.

مرحله سوم: انجام جنگ فرسایشی و جنگ شهرها برای ایجاد جو عمیق و شدید نارضایتی در جمهوری اسلامی تا مرحله سقوط و یا تسلیم آن به خواسته‌های استکبار.

مرحله چهارم: پایان دادن متوازن جنگ جهت جلوگیری از نابودی حکومت صدام.

بر اساس سیاست، اطلاعات و دلایلی که ذکر شد جنگ تحمیلی علیه انقلاب نوپای اسلامی و جمهوری تازه تأسیس اسلامی ایران توسط صدام آغاز شد و دفاعی مقدس توسط ملت شجاع ایران رقم خورد که عمده‌ترین دلایل آن دلایل سیاسی مبتنی بر تغییرات ژئوپولتیکی است، یعنی وقوع انقلاب اسلامی و نفی

استکبار غرب و شرق و قطع دست بیگانگان از چپاول مادی و معنوی ملت بزرگ ایران و ایجاد نظام حکومتی بر مبنای دین و مذهب انقلابی تشیع در جهان که این دلیل عمده همان اهداف استکبار از تحمیل جنگ به ایران است که قبلاً بیان گردید.

در اینجا باتوجه به تعاریف و تقسیمات جنگ از نظر اسلام و از دیدگاه دانشمندان یک مقایسه تطبیقی البته خلاصه و مجمل را معمول می‌داریم تا دریابیم دفاع مقدس در کدام یک از انواع و تقسیمات فوق‌الذکر قرار می‌گیرد.

دفاع مقدس هشت ساله ما از منظر اسلام عزیز

جهاد مقدس امت شهیدپرور ایران اسلامی دقیقاً در برگیرنده تعریف و هدف

و نتیجه‌ای است که مد نظر دین مبین اسلام می‌باشد و از نظر کلی:

- از نوع جهاد اسلامی و با مأموریت دفاع بود.
- دفاع از سرزمین اسلامی و مردم بود.
- دفاع از اسلام بود که در شکل انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی متبلور شده بود.
- دفاع برای بیرون راندن متجاوز از مناطق اشغالی بود.
- دفاع حق علیه باطل بود.
- دفاع با جان و مال بود.
- دفاع علیه حمله دشمن نزدیک بود.
- دفاع علیه حمله دشمن دور بود.
- دفاع در داخل سرزمین خودی بود.
- دفاع در داخل سرزمین دشمن بود.
- دفاع بعد از وقوع حمله دشمن بود.
- در برهه‌ای از زمان دفاع تنبیهی بود.
- دفاع در حضر و دفاع در سفر بود.
- دفاع در خشکی و غیرخشکی بود.
- دفاع هم در مقابل فتنه و هم در مقابل اقدام فیزیکی دشمن بود.
- دفاع فردی - گروه کوچک - تمام عیار بود.

- پیاده نظام و سواره نظام بود.
 - دفاع سبک اسلحه و سنگین اسلحه بود.
 - جنگ با کفر بود (باتوجه به شخص صدام و حامیان جهانی او).
 - جنگ با پیمان شکن بود (لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ توسط صدام).
 - جنگ با منافقین بود (باتوجه به حضور منافقین در کنار صدام و حملات آنان به جمهوری اسلامی ایران).
 - جنگ با دشمن خارجی بود.
 - جنگ از طرف ما اصالتی بود.
 - جنگ از طرف عراق نیابتی بود (به نیابت از استکبار جهانی و ارتجاع منطقه).
 - جنگ نرم و جنگ سخت هر دو وجود داشت.
 - جنگ اعلان شده بود.
 - جنگ غافلگیرکننده نیز بود.
 - جنگ با قدرت و مقاومت و جنگ با تازش و سرعت هر دو وجود داشت.
 - جنگ مقاومتی و پارتیزانی بود.
 - جنگ با محاربین با اشرار و جنگ با کفار همراه بود.
- هر روز ما در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جستیم.
- «امام خمینی (ره)»

مقایسه دفاع مقدس با نظرات دانشمندان

و این دفاع هشت ساله را با تقسیمات علماء و اندیشمندان نظامی بر اساس موارد زیر می‌توان تطبیق داد:

- جنگ گرم بود.
- جنگ خارجی بود.
- جنگ محلی که در پایان باتوجه به وضعیت حضور امریکا در خلیج فارس به جنگ منطقه‌ای تبدیل شد. البته باتوجه به پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم و علنی و مخفی، مادی و معنوی قریب به چهل کشور دنیا از دشمن بعثی به گونه‌ای می‌توان آن را در بعد سیاسی، جهانی نیز نامید.
- جنگ بلندمدت بود (بیشتر از جنگ اول و دوم جهانی).
- از طرف ما جنگ محدود یا متعارف بود (باتوجه به کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق، جنگ از طرف او نامحدود یا نامتعارف بود).
- تمامی مراحل تاکتیکی نیمه‌گسترده و گسترده در دفاع مقدس وجود داشت.
- جنگ متقارن بود.
- جنگ سنتی و جنگ اقتضایی بود (باتوجه به ابتکارات و شیوه‌های جدید).
- جنگ کلاسیک و در موارد معدودی غیر کلاسیک بود.
- جنگ منظم و نامنظم هر دو را شامل می‌شد.

- جنگ رایج یا معمول بود.
- جنگ اصلاتی برای ما و جنگ نیابتی برای دشمن بود.
- در شهرهای مرزی جنگ مقاومتی و در مناطق اشغال شده جنگ پارتیزانی بود.
- جنگ سخت و جنگ نرم هر دو وجود داشت.
- جنگ طراحی شده، تهاجمی و تدافعی بود.
- جنگ با انگیزه ملی برای عراق و با انگیزه اعتقادی و انقلابی برای ما بود.
- عملیات واحد و عملیات مشترک هر دو وجود داشت.
- جنگ نسل دوم بود.
- جنگ از نوع موج دوم بود.

تقسیم‌بندی پیروزی و شکست در جنگ

در ابتدا شکست‌ها و پیروزی‌ها را به سه قسمت تقسیم می‌کنیم:

۱. پیروزی و شکست در اهداف و سیاست‌های ملی و نظامی.

۲. پیروزی و شکست در استراتژی نظامی.

۳. پیروزی و شکست در صحنه عملیات نبرد.

و یادآور این نکته می‌گردم که پیروزی‌ها و شکست‌های رخ داده در صحنه نبرد در صورتی که فراگیر، عمیق و پایدار باشد منجر به پیروزی و یا شکست در مراحل ۱ و ۲ (ذکر شده در ابتدای این مبحث) می‌شوند و همین‌طور پیروزی و موفقیت و یا شکست در مراحل ۱ و ۲ می‌توانند منتج به پیروزی یا شکست در صحنه نبرد گردد و بالعکس.

چون بررسی پیروزی‌ها و شکست‌های قریب به هزار عملیات بزرگ و کوچک نه ضرورت دارد و نه فرصت آن در این نوشتار هست و از طرفی باتوجه به پیروزی‌های عمده در عملیات‌هایی چون ثامن الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، کربلای ۷، کربلای ۱ و ۲، محرم، فاو، خوارزم، میمک، الله‌اکبر و نابودی نیروی دریایی عراق (عملیات مروارید) که تمامی اینها منجر به آزادسازی مناطق اشغالی خودی و تصرف مناطقی در داخل خاک عراق گردید، بررسی مقطع یا نوع سوم بالا ضرورت عام ندارد، بلکه برای متخصصین فن در بررسی تاکتیکی هر عملیات ضروری و مفید است. از این رو تبیین پیروزی یا شکست در استراتژی نظامی و در اهداف و سیاست‌ها کفایت می‌کند تا ما را به سرمنزل مقصود برساند.

حال در این جا باتوجه به انواع و مراحل استراتژی نظامی صدام که بیان گردید و همین‌طور اهداف و سیاست‌های استکبار و صدام در تحمیل جنگ و با عنایت به پیروزی‌های بزرگ در بیرون راندن دشمن از سرزمین پاک اسلامی‌مان، می‌توان پیروز نهایی جنگ یعنی پیروز در اهداف و سیاست‌ها را شناخت.

پیروز دفاع هشت ساله کیست؟

همان‌طور که در مباحث قبل بیان شد، حمله‌کننده و دفاع‌کننده از اقدام خود اهداف سیاسی، مادی و یا معنوی را تعقیب می‌کنند؛ یعنی حمله‌کننده با اهدافی جنگ را شروع می‌کند تا با کسب پیروزی در جنگ آن اهداف را تأمین نماید و دفاع‌کننده با اقدام به دفاع اهدافی را تعقیب می‌کند که عمده آنها ناکام نمودن حمله‌کننده در رسیدن به اهدافش است؛ لذا اگر هر کدام به اهداف خود در پایان جنگ برسند و آن اهداف را بتوانند حفظ نمایند آن طرف پیروز جنگ است.

با این توضیح و ذکر اهداف دشمن و استکبار که قبلاً برایتان توضیح داده شد، طرف پیروز جنگ مشخص می‌شود. لازم است یک بار دیگر اهداف طرفین را یادآور شوم.

اهداف صدام از تحمیل جنگ

اهداف صدام که علناً مطرح نمود به شرح زیر است (که قبلاً نیز برایتان گفته شد) و با این اهداف تجاوز را شروع کرد.

- لغو قرارداد ۱۹۷۵، یعنی تصاحب اروندرود و قسمت‌هایی از سرزمین ما در غرب و جنوب.
- جدا کردن شهرهایی از استان خوزستان، که جمعیت عرب‌زبان دارد و مناطق نفت‌خیز جنوب.
- ساقط کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران.
- بدست آوردن رهبری در خلیج فارس و در بین اعراب.
- رفع محدودیت دسترسی به خلیج فارس.

اهداف پشتیبانان صدام یا استکبار شرق و غرب

اهداف پشتیبانان صدام - که در رأس آنها امریکا و غرب بود - را از این جنگ

بیان کردم که به شرح زیر می‌باشد:

- محبوس کردن انقلاب.
- از محتوا تهی کردن آن.
- به سازش کشانیدن و در نهایت ساقط کردن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

این موارد که تا اینجا ذکر شد هدف یک طرف جنگ یعنی آغازکننده، متجاوز یا حمله‌کننده اولیه در این جنگ تحمیلی بود، که دفاع مقدس هشت ساله جمهوری اسلامی را ضروری و الزامی می‌کرد. حال باید اهداف دفاعی جمهوری اسلامی را هم یادآور شویم تا بتوانیم پیروز را از شکست‌خورده تمیز دهیم.

«ما در این جنگ پرده از چهره جهانخواران و حامیان به اصطلاح بشریت بر

داشتیم»

«امام خمینی (ره)»

اهداف جمهوری اسلامی در دفاع مقدس

- ممانعت از تجزیه ایران اسلامی.
- استقرار قرارداد ۱۹۷۵.
- بازپس‌گیری کلیه سرزمین‌هایی که در تجاوز دشمن اشغال گردیده.
- حفظ و اعتلای نظام اسلامی.
- معرفی چهره صدام و نظام بعث به عنوان متجاوز.
- حفظ امنیت، عزت و شرافت ایران اسلامی.
- دادن پند و عبرت به دیگر دشمنان نظام اسلامی و در حقیقت ایجاد قدرت بازدارندگی برای آینده.
- امیدوار کردن مستضعفین و مسلمین مظلوم سراسر دنیا به حرکت-های همراه با ایمان و ایثار و توکل و مستقل از شرق و غرب در دفاع از خود، دین و شرف خویش.
- تنبیه متجاوز.

چرا خود را پیروز جنگ می‌دانیم؟

با عنایت به اهداف ذکر شده به دو طریق می‌توانیم طرف پیروز و طرف شکست-خورده را از هم بازشناسیم:

الف) از نظر کلی، یعنی بدون بررسی مراحل و مقاطع عمومی جنگ و صرفاً از طریق دستیابی طرفین به اهداف غایی خویش از جنگ یا دفاع.

ب) از طریق مرحله‌بندی با تجزیه عمومی جنگ و حصول به اهداف در هر مرحله، سپس ترکیب مراحل جمع‌بندی آن که هر دو شیوه را به صورت بسیار فشرده، بیان می‌داریم.

الف) از نظر کلی

(۱) با توجه به اهداف صدام:

- در پایان جنگ دیدیم که صدام مجبور شد عهدنامه ۱۹۷۵ را بپذیرد.
- زمین‌های متصرفی را رها کند و به کشور خود برگردد.
- به تجزیه کشور ما موفق نشد.
- به ساقط کردن نظام هم موفق نگردید.
- حامیان صدام نیز به اهداف خود نرسیدند؛ یعنی انقلاب محبوس نشد.
- انقلاب تهی نشد.
- انقلاب به سازش کشیده نشد.
- نظام دینی ساقط نشد.

(۲) با توجه به اهداف دفاعی جمهوری اسلامی ایران:

ما به اهداف دفاعی خود به شرح زیر رسیدیم:

- قرارداد ۱۹۷۵ مستقر شد (اراده سیاسی ما بر صدام تحمیل شد).
 - سرزمین‌هایمان آزاد شد.
 - صدام به عنوان متجاوز معرفی شد.
 - تجزیه و تفکیک قسمت‌هایی از ایران انجام نشد.
 - جمهوری اسلامی ایران ساقط نشد.
 - عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، اعتلا یافت و به جهانیان نشان داده شد.
 - ساختارهای دفاعی کشور نهادینه شده و مقتدر گردید.
 - قطعنامه ۵۹۸ با بیشترین نظرات اعلامی ایران تغییر یافته و پذیرفته شد.
- لذا طرف پیروز جنگ ایران اسلامی است، چون مانع رسیدن دشمنان به اهدافشان شده و خود نیز به اهداف دفاعی خویش نائل گردید.

«برقوای مسلح اسلامی، از ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان به جبهه روند و مزدوران را از کشور اسلامی‌شان برانند.»

«صحیفه امام ج ۱۲ ص ۲۴۱»

(ب) از نظر تحلیل مرحله‌ای

اگر جنگ را به صورت کلی مرحله‌بندی نمائیم، می‌توانیم از بررسی تحلیلی پیروزی یا شکست در هر مرحله، طرف پیروز نهایی جنگ را دریابیم که البته

فرصت تحلیل هر مرحله در این نوشتار و این زمان نیست و می‌شود برای هر مرحله مقاله تحقیقی و تحلیلی علمی تهیه و ارائه نمود؛ ولی من فقط مراحل و نتیجه را در دو سطح هدف و استراتژی فشرده و خلاصه بیان می‌دارم.

مراحل جنگ در سطح و سیاست‌های ملی و اهداف کلی صحنه

نبرد

(۱) بازدارندگی، یعنی جلوگیری یا ممانعت از ایجاد تفکر تهدید در ذهن متجاوز و یا ایجاد خدشه مؤثر در اتخاذ تصمیم دشمن در حمله و در نتیجه نپذیرفتن خطرپذیری تهاجم توسط او.

در این مرحله ما صددرصد شکست خوردیم؛ یعنی به هیچ وجه دارای قدرت بازدارندگی نبودیم. البته باید عنایت شود که قدرت بازدارندگی در دنیای امروز صرفاً با مؤلفه نظامی تبیین نمی‌شود، گرچه فرصت تحلیل و تبیین عوامل بازدارنده ضروری برای نظام مقدس ما در آن زمان نیست؛ ولی در چند جمله می‌توان تعدادی مؤلفه قدرت بازدارندگی را به این شرح برشمرد:

- نفوذ سیاست خارجی در همسایگان، منطقه و جهان.
- سیاست داخلی نهادینه شده و مقتدر.
- ساختارهای اقتصادی محکم و مؤلّد.
- ذخایر کافی اقتصادی و مالی.
- وجود طرح‌های اقتصادی و سیاسی بنیانی، مؤثر و عملی برای بحران.
- امنیت داخلی کامل.
- حاکمیت ملی مقتدر.
- یکپارچگی و وحدت ملی هدف‌دار.
- ساختارهای نظامی و دفاعی مستحکم

- سازمان، آموزش، انضباط و آمادگی قبلی نیروهای مسلح.
 - ارائه نمایش قدرت نظامی به بیگانگان.
 - رهبری واحد و مقتدر ملی.
 - انسجام و هماهنگی ساختارها و سامانه‌های سیاسی کشور.
 - وجود آرمان‌ها و علایق ملی همگانی.
 - ساختارهای هوشمند، عالم و به روز اطلاعاتی که بتواند تهدید را از قبل پیش‌بینی نماید.
 - شناخت و باور به تهدید در تمامی زوایای آن.
 - انگیزه و میل ملی به دفاع بر اساس اعتقادات ملی یا مذهبی.
- با توجه به موارد فوق و با مطالعه و دقت در تاریخ انقلاب اسلامی از سال ۵۸ تا شروع جنگ تحمیلی درمی‌یابیم که به دلیل مبارزات انقلابی ملت بزرگ ایران اسلامی و مقاومت رژیم طاغوت در مقابل مردم و حمایت استکبار شرق و غرب از نظام منحط و مستبد و فاسد پهلوی و بعد خصیصه انقلاب و به تبع آن دگرگونی ساختارهای سیاسی و مواردی دیگر مثل حضور منافقین و گروه‌های ملحد وابسته به غرب و شرق، اداره اجرایی کشور توسط ملی مذهبی‌های مرعوب یا وابسته به غرب، حضور تفکر لیبرالی غربی و مخالف سیره مبارزاتی حضرت امام در رأس امور (بنی صدر)، بسیاری از مؤلفه‌های مذکور یا وجود نداشت و یا با خلل و اشکال فراوان مواجه بود.
- به عنوان مثال ارتش جمهوری اسلامی ایران به کمتر از نیم تقلیل یافته بود و قریب به ۳۰٪ همین توان در مناطق شمال غرب کشور، گنبد و مناطقی از

خوزستان درگیر مبارزه با ضدانقلاب بود. سپاه پاسداران نیز دوران اولیه حیات و طفولیت خود را می‌گذراند و همین سپاه نوپا هم در درگیری‌های مذکور فعال بود. اقتصاد کشور در حال رکود و درهم ریخته بود، نهادهای سیاسی کشور هنوز با شرایط و نیازهای زمان استقرار و استحکام نیافته بود، کشور دستخوش ناامنی‌های ضدانقلاب بود، یکپارچگی و وحدت هدف‌دار دوران انقلاب سست شده بود و برای وضعیت جدید هدف‌دار نشده بود، ساختار دفاعی متزلزل و مواقعی تعطیل بود، ارائه نمایش قدرت نظامی معمول نشده بود، انسجام و هماهنگی در ساختار و سامانه سیاسی کشور وجود نداشت. از طرفی با شعارهای گروه‌های منحرف و ملحد و ضدانقلاب تا حدودی در کیفیت همگانی آرمان‌ها و علائق ملی خدشه وارد شده بود و از همه مهم‌تر اینکه در ارکان رده بالای سیاسی کشور، به دلایل: کمیت اکثریت شیعه مردم عراق، تصور مطلق از تنفر مردم عراق از دیکتاتوری صدام، عدم محاسبه درست از رشد هدف‌دار توان نظامی عراق در چند سال قبل از انقلاب و حسن نیت بیش از اندازه به مجامع و سازمان‌های جهانی، باور به تهدید از سوی عراق و تصور تحقق این تهدید وجود نداشت. لذا اراده سیاسی برای ورود به یک جنگ ناخواسته دیده نمی‌شد. ضمن اینکه ساختارهای اطلاعاتی و ضداطلاعاتی فروریخته بود و تحرکات و درگیری‌های مرزی بدون تحلیل علمی — نظامی به دست مسئولین می‌رسید و قرائنی از جنگ را برای آنان پیش‌بینی نمی‌کرد و آن تعداد از عناصر نظامی که نه به صورت نهادینه، بلکه به صورت فردی و به دلیل دلسوزی و تخصص خویش تحلیل‌های علمی از پیش‌بینی وقوع تهدید را ارائه می‌دادند، قادر به ایجاد باور تهدید در سیاسیون نبودند.

مؤلفه‌های قدرتمند و مؤثر باقیمانده بازدارندگی در مواردی که احصاء شد عبارت بودند از:

«۱» حضور رهبری پیامبرگونه حضرت امام ره.

«۲» انگیزه و میل ملی برای دفاع بر اساس اعتقادات دینی (منبعث از سیره و مدیریت دینی حضرت امام).

«۳» وجود ارتش (البته با وضعیتی که در بالا ذکر شد) آن هم صرفاً به دلیل درایت، آینده‌نگری و دلسوزی حضرت امام و تعداد معدودی از سران - از جمله مقام معظم رهبری - که برای بقاء ارتش اقدام نمودند.

«۴» تشکیل سپاه و بعد بسیج مستضعفین و سرازیر شدن جوانان مؤمن پرشور به این دو نهاد انقلابی که این موارد هم مدیون نعمت وجود حضرت امام و رهبری بوده و هست.

و در یک جمله می‌توان گفت اگر امام نبود، با شروع جنگ، از ایران اسلامی و اسلام شیعی چیزی باقی نمی‌ماند.

البته بعد از مرحله بازدارندگی، همین چهار مؤلفه فوق بویژه نقش حضرت امام و عشق و ارادت ارتشیان به امام و شهادت‌طلبی ملت شهیدپرور بود که در هفته اول ارتش عراق را در بسیاری از مناطق زمین‌گیرکرد و استراتژی او مبنی بر تجزیه ایران و سقوط جمهوری اسلامی را منجر به شکست نمود و بنیان و پایه دفاع جانانه، حماسی و ایثارگرانه پیروزمند ارتش، سپاه پاسداران قهرمان و بسیج جان‌برکف مردمی را برای جمهوری اسلامی ایران بنا نهاد.

نتیجه اینکه در این مرحله موفق نبودیم و پیروز این مرحله دشمن بود که هزاران کیلومترمربع از سرزمین اسلامی ما را اشغال نمود؛ ولی دلایل این عدم موفقیت در مرحله بازدارندگی خود برگ برنده سیاسی غیرارادی هم برای ما بود که به دنیا می‌گفتیم ما قصد جنگ نداشتیم، زیرا انقلاب اسلامی خود را برای جنگ آماده نکرده بود و می‌خواست به ساختار نوپای خود بپردازد.

(۲) در هم شکستن حمله دشمن در مرزها

به دلایل ذکرشده در مرحله بازدارندگی، استقرار نیروهای نظامی بر مبنای پیش‌بینی و نوع تهدید و متناسب با تهدید در مرزها صورت نگرفته بود و با امکانات سیاسی — اقتصادی و تجهیزاتی آن زمان هم با شروع جنگ، رساندن امکانات نظامی متأسفانه به زمانی بیش از ۴۵ روز تا ۲ ماه نیاز داشت که این امور باعث شد در مرحله در هم شکستن حمله دشمن در مرزها هم کاملاً موفق نباشیم و نیروهای موجود ارتشی در مرزها با ایثار جان و شجاعت مثال‌زدنی در مقابل یگان‌هایی تا ده برابر استعداد خود ایستادگی کردند، تا در مراحل بعد جنگ به موفقیت برسیم. در هر حال پیروزی این مرحله قریب به ۳۰٪ است.

(۳) کند کردن، متوقف کردن و سد کردن پیشروی دشمن و زمین‌گیر کردن

او.

در این مرحله با توجه به اینکه دشمن قصد تصرف شهرهای بزرگی همچون کرمانشاه، ایلام، اهواز، آبادان و خرمشهر و در صورت موفقیت تسخیر پایتخت را داشت (البته آرزویی خیال‌پردازانه بود) و اگرچه شهرهایی چون قصرشیرین، ذهاب، مهران، خرمشهر و... را تصرف کرد، ولی ارتش جمهوری اسلامی ایران در

همان بدو حمله دشمن و با تلاش‌های مظلومانه و شجاعانه باعث شد که دشمن به اهداف عمده خود نرسیده و در خرمشهر با دفاع جانانه مردم و تکاوران دریایی دانشجویان دانشگاه افسری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی قریب به چهل روز موفق نشود و بعد بلافاصله با حضور سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مخلص و شجاع، دشمن کاملاً زمین‌گیر شد و لذا می‌توانیم بگوییم ما موفق و پیروز بودیم (این مرحله ۸۰٪ ضریب موفقیت ماست).

(۴) مرحله بیرون راندن دشمن از سرزمین‌مان.

که در این مرحله ما در نهایت توانستیم دشمن را از تمام مناطق اشغالی بیرون کنیم و یک وجب از آب و خاک میهن اسلامی از کشور ما جدا نگردید و لذا در این مرحله هم کاملاً پیروز شدیم (۱۰۰٪ موفقیت).

(۵) تنبیه متجاوز و انهدام ماشین جنگی عراق مرحله پنجم جنگ ماست.

در این مرحله باتوجه به تعداد اسراء و تجهیزات و تسلیحات انهدامی و به غنیمت گرفته شده از دشمن نه ۱۰۰٪ بلکه تا حدود زیادی موفق بودیم (۸۰٪ موفق بودیم، گرچه بلافاصله دنیای استکبار عراق را بازسازی می‌کردند و زخم‌های او را التیام می‌بخشیدند).

(۶) تحمیل اراده سیاسی به متجاوز و حامیان او در تسلیم به خواسته‌های ما.

که با قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و بعد با اعلام دبیر کل سازمان ملل بر معرفی عراق به عنوان آغازکننده جنگ و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توسط صدام در این مرحله موفق و پیروز بودیم؛ گرچه بحث پرداخت خسارات جنگ تاکنون تحقق نیافته است (۱۰۰٪ موفقیت ما حتمی است).

(۷) و آخرین مرحله دفع فتنه یا نابودی حاکمیت متجاوز.

در این مرحله نتوانستیم به پیروزی کامل دست یابیم و دلیل عمده آن این بود که تمامی حامیان صدام بخصوص امریکا عملاً وارد جنگ با ایران اسلامی شدند و لذا وسعت فتنه و تهدیدات فتنه‌انگیز و عمق و شدت آن بیش از توان ما گردید. ولی در این مرحله هم شجاعت حضرت امام در پذیرش قطعنامه ما را از آسیب فتنه در امان داشت. البته به نظر بنده در این مرحله ما بیش از ۵۵٪ موفق بوده‌ایم؛ زیرا صدام می‌بایست برای جبران شکست خود و تأمین اهداف خود جنگ دیگری را رقم می‌زد که حمله به کویت به این دلیل بود. یعنی شکست صدام از ایران اسلامی بزرگترین دلیل حمله او به کویت بود و بعد با شکست نهایی در حمله به کویت و باتوجه به وجود دو شکست (حمله به ایران و حمله به کویت) ارتش عراق از نظر انگیزه، روحیه، میل به جنگ‌جویی، توان و قدرت نظامی، پشتوانه مردمی و عدم اعتماد به رهبران به وضعیتی درآمده بود که شکست صدام را خواهان بود که این امر همراه با اراده ملی مردم در مبارزه با حکومت و وابستگی ارتش صدام به شرق و غرب - یعنی همان‌هایی که برای آنها می‌جنگید - شکست صدام را در کوتاه‌ترین زمان ممکن ساخت و همین‌طور چهره منفور و شکست‌خورده‌ای که از صدام در دنیا توسط دفاع جانانه ما ترسیم شده بود، خود یک پیروزی سیاسی و معنوی برای ما بود.^۱

۱. برای تبیین این وضعیت مناسب است که به کتاب «امریکا قبل و بعد از اشغال عراق» تحلیل مؤلف و تنظیم علی‌اعوانی، انتشارات سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمایید.

شکست صدام در استراتژی نظامی

همان‌طور که قبلاً بیان گردید صدام و استکبار باتوجه به اهداف و سیاست‌هایشان از تحمیل جنگ — که آن را هم در چهار مرحله ذکر کردم (تحت عنوان دلایل) — در چهار مرحله، چهار نوع استراتژی نظامی را پیگیری نمودند که تعداد مراحل و انواع آن در مرحله اول خود نشان از عدم موفقیت در هر مرحله است که باعث می‌شد نوع و مرحله دیگری از استراتژی را تبیین و دنبال نمایند.

در مرحله اول جنگ سریع و برق‌آسا را برای تأمین و تحقق اهداف و سیاست‌ها مد نظر داشتند، طوری که بتوانند نیروی هوایی، مراکز حساس، نقاط حیاتی و روحیه و انگیزه دفاعی را در سه روز اول نبرد منهدم نمایند و تا یک هفته به کلیه اهداف سیاسی خود با این نوع نبرد نائل گردند که عملیات ۱۹۲ فروندی تهاجمی نیروی هوایی عراق به فرودگاه‌ها و پایگاه‌ها در شهرها در این جهت بود و پیامد آن از روز اول مهر حمله ۱۲ لشکر مسلح زرهی و مکانیزه با پشتیبانی آتش توپخانه، با این استراتژی آغاز گردید.

اولین اقدام وسیع جمهوری اسلامی ایران عملیات ۱۴۰ فروندی بود (کمان ۹۹ که به دلیل داستان آرش کمان‌گیر نام عملیات کمان و به دلیل پرونده ۹۹ برگی آن کمان ۹۹ نام گرفت). گرچه عصر همان روز ۳۱ شهریور نیز تعدادی از عقابان تیزپرواز نیروی هوایی چند عملیات را داخل خاک عراق انجام دادند، ولی وسعت این عملیات دلیران هوایی ارتش حزب‌الله طلیعه شکست استراتژی جنگ سریع و برق‌آسای عراق بود. در روی زمین گرچه در کمتر از سه روز در مناطقی تا عمق بیش از ۷۰ کیلومتر ارتش عراق پیشروی داشت، ولی با دلاوری یگان‌هایی از ارتش که در مرزها بودند و

رشادت و شهادت‌طلبی هوانیروز و نیروی هوایی و کمک‌های مردمی نتوانست از کرخه جهت تصرف شوش، دزفول، اندیمشک و اهواز بگذرد و در غرب هم به تصرف کرمانشاه موفق نگردید و توقف ۳۴ روزه ارتش مقتدر عربی (دومین ارتش بعد از مصر) در پشت دیوارهای خرمشهر قهرمان، سطور شکست این استراتژی را در تاریخ نظامی رقم زد و بعد نابودی نیروی دریایی عراق در ۷ آذرماه سال ۵۹ در کمتر از سه ماه از آغاز حمله عراق، توسط دریادلان قهرمان نیروی دریایی که با پشتیبانی نیروی هوایی، عملیات مروارید را انجام دادند، گرچه یاد و خاطره ناوچه پیکان را جاویدان نمود، ولی چنان شکست تلخی را به عراق تحمیل کرد که تا پایان جنگ وی را از خلیج فارس و سواحل و بنادر خود در آن محروم نمود و مهر پایانی بر استراتژی جنگ برق‌آسای عراق زد و این استراتژی مرگ خود را فریاد نمود و رویای فتح سه روزه خوزستان و یک هفته‌ای تهران صدام بر باد رفت.

از این به بعد عراق استراتژی تثبیت اشغال را پی گرفت تا به این شیوه جمهوری اسلامی ایران را به زانو درآورده و به تسلیم و درنهایت به سقوط وادارد که این استراتژی نیز با عملیاتی چون خوارزم، الله اکبر، بازپس‌گیری دهلاویه، سوسنگرد و بعد ثامن‌الائمه بیمار گشت و با عملیات طریق‌القدس بانگ رحیل خودش را نواخت تا شاهد مرگ خویش بعد از عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس باشد و آرزوی تثبیت صدام در مناطق اشغالی نیز تحقق نیافت.

دیگر استراتژی که حامیان صدام برایش تدارک دیدند انجام جنگ فرسایشی بود که با این شیوه بتوانند آن‌چنان توان رزمی و قدرت ملی جمهوری اسلامی را تحلیل ببرند که سطح و عمق نارضایتی ملی، جمهوری اسلامی را ساقط نماید

که در این مرحله نیز با انجام عملیات برون‌مرزی رزمندگان اسلام به صورت گسترده و عمیق، انهدام ماشین جنگی عراق در زمین و هوا و افزایش روحیه ایثار و مقاومت، شهادت‌طلبی مردم بزرگ و درایت و رهبری الهی امام و ایستادگی نیروهای مسلح نه تنها سودی عاید صدام نکرد، بلکه کفه ترازو را در این استراتژی به سود ایران سنگین نمود و موفقیت ایران را در اداره موفق یک جنگ فرسایشی به منصفه ظهور رساند.

لذا صدام و حامیانش آخرین گزینه را به عنوان استراتژی پایان‌دهی متوازن جنگ انتخاب نمودند و حضور علنی امریکا در جنگ نفت‌کش‌ها، حمله به هواپیمای مسافربری ایرانی، حمله به ناوشکن‌های ارتش جمهوری اسلامی و سکوه‌های نفتی در اجرای این استراتژی بود که به این وسیله صدام را از شکست مفتضحانه و پرتگاه سقوط نجات دهند و این مرحله بود که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را باعث گردید. گرچه پذیرش قطعنامه نتیجه این استراتژی نظامی بود ولی وقتی جمهوری اسلامی ایران آن را پذیرفت که حداکثر خواسته‌های جمهوری اسلامی در آن لحاظ گردید، لذا نه تنها این مرحله هم پیروزی برای صدام نبود بلکه به دلیل دربرداشتن نظرات ایران در مفاد قطعنامه ۵۹۸، پیروز سیاسی این مرحله هم ایران اسلامی بود.

این بحث که گفته شد تحلیل مرحله‌ای نتیجه جنگ بود. اگر به این تحلیل هم توجه کنیم درمی‌یابیم که از نظر کمی مراحل که پیروزی داشته‌ایم بیشتر است. یعنی از هفت مرحله ذکرشده بیشترین مراحل را پیروزی داشته‌ایم، از طرفی اگر به صورت کیفی هم به آن بنگریم چون محوری‌ترین مراحل عملی دفاع مراحل ۳، ۴، ۵ و ۶

می‌باشد و در استراتژی نظامی صدام هم تغییر در استراتژی‌ها به دلیل شکست در استراتژی قبلی بوده است، لذا به زرس قاطع می‌توان گفت ما در تمام مراحل پیروز بوده‌ایم، لذا پیروز نهایی و واقعی جنگ ایران اسلامی بوده است.

در خاتمه باز یادآور می‌شوم رهبری دینی حضرت امام، هوشمندی و آینده‌نگری معظم‌له، ارادت ارتش به ایشان، روح شهادت‌طلبی مردم عزیز ما، آموزه‌های اعتقادی دین شریف اسلام، وحدت ملی در امر دفاع، اعتلای روزافزون سپاه و تلاش ایثارگران سپاهیان و حضور مخلصانه و شهادت‌طلبانه بسیجیان در صفوف اول نبرد و اثر نفوذی حضرت امام در قلب‌های یکایک مردم شریف ایران دلیل این پیروزی‌ها بود، که نقش اساسی و محوری متوجه حضرت امام — احیاگر و مجدد اسلام ناب محمدی — است و روحانیت معزز پیرو خط حضرت امام بویژه رهبر معظم انقلاب که تمشیت امور ارتش را به عهده داشتند و با حضور مداوم و مؤثر در جبهه‌ها نقش برجسته و منحصر به فردی در این خصوص دارا بودند مثل نجات سوسنگرد که در حقیقت مرهون فرماندهی اعلام نشده ایشان است، که در بخش بعد به تفکیک این مؤلفه‌ها را صرفاً می‌شماریم.

«من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع، قبل از آنکه پیروزی
شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمندگانی
که از دو جبهه معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سرافراز بیرون
آمده‌اند، تبریک می‌گویم.»

«پیام امام خمینی^(ره)

عملیات طریق‌القدس، ص ۲۰۰»

دلایل پیروزی در جنگ

در دنیای امروز تعریف قدرت صرفاً شامل عوامل مرئی قدرت نیست، زیرا جنبه نامرئی قدرت نیز محور تشکیل‌دهنده قدرت و به قولی مهم‌ترین عنصر آن است که ابعاد مهم این جنبه عبارتند از:

- رهبری و فرماندهی؛
 - وفاق و وحدت ملی؛
 - انگیزه؛
 - صبر در مقاومت؛
 - شجاعت عناصر رزمنده؛
 - شأن و منزلت فداکاری در مسیر هدف؛
 - علم و دانش نبرد بویژه در طراحان عملیات.
- که ایران اسلامی در زمان جنگ و هم اکنون از این عناصر در بالاترین مرتبه برخوردار بوده و می‌باشد. یعنی دلایل عمده پیروزی ما:
- عنایت حق تعالی؛
 - رهبری پیامبرگونه حضرت امام علیه السلام و سرفرماندهی عالی آن بزرگوار؛
 - ایمان مذهبی؛
 - وحدت ملی؛
 - انگیزه مبارزه با دشمن متجاوز،
 - خودباوری علمی، فنی در تعمیرات و بهینه‌سازی و ساخت قطعات و ابزار جنگی مورد نیاز؛

- نگهداری مطلوب تجهیزات و سلاح‌های جنگی و استفاده بهینه از آنها؛

- خلاقیت و ابتکار در طراحی و اجرای عملیات نظامی؛

- روحیه صبر فردی و ملی (همگانی)؛

- توکل فردی و جمعی؛

- مقاومت شجاعانه ملی (تمامی ملت)؛

- روحیه شهادت‌طلبی رزمندگان

- درایت و کاردانی، علم و شجاعت طراحان و فرماندهان جنگ و تک‌تک

رزمندگان که سرآمد آنان شهید بزرگوار سپهبد علی صیاد شیرازی

بود.

- هوشمندی سیاستمداران؛

- روحیه ایثار جمعی امت ما که بیشترین شهید را تقدیم کرده و

پشتیبانی از جنگ را با تمام توان معمول داشتند.

تمامی موارد و تلاش‌های فوق‌الذکر عنایت خداوند جل‌جلاله را برای این ملت جلب کرد

و پیروزی‌ها را باعث گردید و در انتها دوباره ذکر یک نکته را ضروری می‌دانم که آن هم نقش

راهبردی فرماندهی و رهبری حضرت امام علیه السلام بود که در یک جمله می‌گوییم:

عوامل مرئی و نامرئی قدرت ملی که در ابتدای جنگ و در مرحله بازدارندگی بسیاری از آنها

وجود نداشت و بسیاری دچار خدشه گردیده بود با فرماندهی و رهبری آن پیر فرزانه تمامی

مؤلفه‌های نامرئی ایجاد و اکثر مؤلفه‌های مرئی نیز ساخته و پرداخته گردید تا با لطف خدا

پیروزی‌ها حاصل شود.

اینها عوامل عمده پیروزی ما در جنگ می‌باشد که امید است همواره این جنبه قدرت به همراه جنبه مادی قدرت، سلاح و آموزش و امکانات و تجهیزات و وسایل در حد اعلا و مورد نیاز نظام حفظ شود.

نظامیان از بزرگترین و مهم‌ترین عوامل حفظ قدرت مادی و معنوی، مرئی و نامرئی این نظام و محورهای اصولی قدرت ملی و توان رزمی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند و این ارتش وفادار، مجهز، منضبط، مؤمن و آموزش‌دیده از ارکان اساسی آن است.

«هشت سال دفاع مقدس منتهی به تمامیت ارضی کشور و شکست طرح‌های توسعه طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی‌مان گردید.»

«حضرت امام خمینی^(ره)

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۳»

فداکاری ارتش و ایثار فرماندهان در ارتش حزب الله

در اینجا به آمار مقایسه‌ای شهدا اشاره کنم که سپاه پاسداران ۱۹/۱٪، ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۱/۷٪ (به تعداد ۴۸۰۰۰ شهید)، بسیج مردمی ۳۹/۲٪، جهاد سازندگی ۱/۱٪، نیروی انتظامی ۴/۲٪ و سایر نیروها و مردم در بمباران‌ها ۱۴/۷٪ شهید داده‌اند، در مجموع ۱۹۰ هزار شهید داده‌ایم.^۱ با این آمار مشخص است که بار جنگ به دوش مردم عزیزمان بوده است که در قالب بسیج راهی جبهه‌ها می‌شدند و لذا نیروهای مسلح موظف و مردم ما تا ابد مدیون بسیج و شهدای بسیج هستند؛ ولی در بین نیروهای مسلح موظف نیز تعداد شهدای ارتش نشان از این دارد که ارتش در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است که این همان کلام نورانی حضرت امام در آخرین پیامشان در خصوص ارتش است که در رابطه با نیروی زمینی فرمودند:

«نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، بحق چهره‌ راستین و شکست‌ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب - با آن همه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقت‌فرسای مناطق که آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است - نشان داد.»^۲

«نیروی دریایی نیز همچون سایر نیروها بحمدلله در آب‌های خلیج فارس و مرزهای آبی کشور در عرصه دفاع مقدس از کشور اسلامی‌مان چون نگینی

۱. با یک نگرش دیگر در محاسبه، ترتیب این آمار در ارتش و سپاه و بسیج به این شکل است: ارتش ۲۶٪، سپاه ۲۳٪ و بسیج ۴۳٪ که باز هم تغییری در ادعای وفاداری ارتش نمی‌دهد.

۲. پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (۶۸/۱/۲۸)، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۶.

درخشنده است و بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروی دریایی دشمن و آن همه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتی‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز و مهم‌تر از همه نبرد قهرمانانه آنان در برابر امریکای متجاوز و حضور جدی آنان در آب‌های بین‌المللی نشانه اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مؤمن و وفاداری افتخار کند.»^۱

«شجاعت‌ها و رشادت‌های بی‌نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرن‌ترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگه داشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیده هواپیماها و رادارها و سلاح‌های ضدهوایی و موشک‌ها و پدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزش‌های علمی والای این عزیزان است که خداوند بر توان و ایمان آنان بیفزاید.»^۲

در اینجا ضرورتاً به یکی از فرمایشات حضرت امام در اوایل انقلاب در خصوص نقش ارتش در مبارزه با ضدانقلاب را نیز یادآور می‌شویم که به ما نشان می‌دهد مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل حفظ و بقای ارتش در دروان بعد از پیروزی انقلاب حمایت همه‌جانبه حضرت امام خمینی از ارتش بود و همین‌طور بقای ایران اسلامی در سخت‌ترین شرایط اوان انقلاب وجود ارتش جمهوری اسلامی بود:

«در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایادی شرق و غرب و آنها که صداقت و امانت و دینداری و میهن‌داری ارتشیان را در حماسه پیروزی درک نکرده بودند، کمر به

۱. همان، ص ۳۵۷.

۲. همان، ص ۳۵۶.

نابودی ارتش بستند و با شعارهای به ظاهر انقلابی و فریبنده مصمم به انحلال آن، غارت سلاح‌ها و نابودی امکانات دفاعی کشور شدند و چه بسا ساده‌لوحان نیز تحت تأثیر القائنات آنان راه این هدف شوم را هموار نمودند که خداوند متعال کشور و انقلاب اسلامی ما را از توطئه شوم آنان رهایی بخشید و ارتش سرافراز ایران اسلامی همچون برق و صاعقه بر سر توطئه‌گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند فرود آمد و کردستان، گنبد و ترکمن‌صحرا گورستان کوردلان گردید که همه اینها از افتخارات تاریخی و فراموش‌نشده ارتش قهرمان است.^۱

و از فرمایشات فرماندهی کل قوا درباره ارتش و جنگ در روزهای آغازین نبرد:

«...من امروز اعلام می‌کنم برادران ارتشی، برادرانی که با همه وجود شب، نیمه‌شب، صبح زود، خواب و استراحت و خوراک را از خود می‌گیرند، در میدان‌های خطر و در خط اول آتش حاضر می‌شوند، آنها عزیزان و محبوب قلوب این ملت‌اند.»^۲

دلیل عمده دیگر از وفاداری و ایثار ارتش به انقلاب، اهداء شهدا در بالاترین رده آجا است که در ۲۰۰ سال اخیر و در تمامی نیروهای مسلح دنیا سابقه نداشته که در جنگی و یا در کشوری ظرف ۸ الی ۱۵ سال برای استقرار و استمرار یک نظام و دفاع از آن، دو رئیس ستاد (شهید سپهبد قرنی اولین شهید از سران نظام و شهید سرلشکر فلاحی)، دو وزیر دفاع (شهید فکوری و شهید نامجو)، دو فرمانده نیرو (شهید سپهبد صیاد شیرازی و شهید سرلشکر ستاری)، دو جانشین

۱. صحیفه امام(ره)، ج ۲۶، ص ۳۵۷.

۲. از خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۵۹/۷/۱۸)، ارتش/از نگاه رهبر، ص ۱۰.

نیرو، چند معاون نیرو و ده‌ها فرمانده و جانشین لشکر شهید شوند که ارتش ما این چنین شهید داده است و مهم اینکه اولین شهید از سران نظام مقدس ما حتی قبل از استاد شهید مطهری، یک ارتشی بنام سپهبد شهید قرنی - رئیس ستاد ارتش وقت - بوده است.

ما افتخار می‌کنیم که وارثان خون این شهیدان هستیم.

این بحث را با فرمایشی از رهبر معظم انقلاب در خصوص فرماندهان که در مراسم فارغ‌التحصیلی دانشکده افسری در سال ۶۸ بیان فرموده‌اند، پایان می‌بخشم: «کشورها را سیاستمداران اداره می‌کنند و مواقع خطر سرداران هستند که آن را نجات می‌دهند.»

تذکر پایانی

کار سیاستمداران برجسته این است که:

اراده سیاسی را بدون ابزار قوه قهریه بر دیگران تحمیل یا اعمال نمایند.

۱. این تحمیل یا با پذیرش است، یا با الزام؛ یا داخلی است یا خارجی.

۲. این تحمیل، اقتصادی، سیاسی یا نظامی است.

ولی وقتی آخرین راه جنگ باشد؛ نیروهای مسلح هستند که اراده را با جنگ تحمیل می نمایند و یا اینکه بدون جنگ با نمایش قدرت و حضور خود، کار تحمیل اراده سیاستمداران را آسان می کنند و ضمانت می بخشند.

و ما ارتشیان برای اینکه صلح را برای مردم و انقلاب و نظام مقدس مان تضمین نماییم، باید هر لحظه و همیشه برای جنگ و جهاد مقدس فی سبیل الله آماده باشیم تا عزت و اقتدار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مستمر و روزافزون باشد.

«این جنگ تحمیلی شکوه و عزمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود.»

«امام خمینی (ره)»

منابع و مأخذ

اسدی، هیبت‌الله. فرماندهی در چشم/نداز ۱۴۰۰، دانشگاه افسری امام علی (ع)، ۱۳۸۶.

آل‌هاشم، سید محمدتقی. جنگ و شهادت در اسلام، انتشارات مؤلف، ۱۳۶۸.
 آمدی، سید ناصح‌الدین (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی). غرر/الحکم و درر/الکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
 بابائی، غلامرضا. فرهنگ روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، ۱۳۷۵.

بختورتاش، نصرت‌الله (سرهنگ‌دوم). نبردهای محمد(ص)، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۴.

تافلر، الوین و هایدی تافلر. جنگ و ضدجنگ، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، سیمرغ، ۱۳۷۲.

تزو، سون (حکیم چینی). هنر جنگ، ترجمه دکتر حسین حبیبی، قلم.
 —. هنر جنگ، ترجمه محمود کی، تهران، سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸.

ذهنی تهرانی، سید محمدجواد. راهنمای فارسی شرح لمعه، قم، انتشارات کتابفروشی وجدانی، ج ۸ و ۲۸، ۱۳۷۰.

حجاب، محمدمنیر (دکتر). جنگ روانی، ترجمه سعید پارمند، تهران، مرکز آموزش و پژوهش شهید صیادشیرازی، ۱۳۸۶.

حسینیا، احمد. اسلام و آئین نبرد، مؤسسه فرهنگی نشر رامین، ۱۳۷۸.
 حسینیا، احمد. جنگ از دیدگاه قرآن و سنت، تهران، سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، ۱۳۷۲.

- حضرت امام (ره). *تحریر الوسیله*، تهران، پیام، ۱۳۶۵.
- حضرت امام (ره). *صحیفه نور*، مرکز نشر آثار حضرت امام، ج ۲۶.
- خاتمی، احمد (دکتر). *فرهنگنامه موضوعی نهج البلاغه*، سروش، ۱۳۸۱.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، *ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس*، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷.
- سنجابی، علیرضا (دکتر). *استراتژی و قدرت نظامی*، پازنگ، ۱۳۷۵.
- سیاست نظامی امام علی (ع)، ترجمه اصغر قائدان، فروزان، ۱۳۷۵.
- شیخ طوسی. *التهایه*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ ق.
- شیخ مفلح بن حسن بن رشید الصیمری. *تلخیص الخلاف فی خلاصه الاختلاف*، تحقیق سید مهدی الرجایی، انتشارات آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
- صحیفه سجادیه، شرح و ترجمه آیت الله سید احمد فهری، اسوه، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین (علامه). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، مطبوعات دارالعلم، ۱۳۶۳.
- عبدالله خانی، علی. *نظریه های امنیت*، ابرار معاصر، ج ۱، ۱۳۸۳.
- عزتی، عزت الله (دکتر). *ژئواستراتژی*، تهران، سمت، ۱۳۷۳.
- . *ژئوپولیتیک*، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- غفوری، علی. *تاریخ جنگ های ایران*، اطلاعات، ۱۳۸۸.
- فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ترجمه علی مؤیدی، نشر معروف، ۱۳۸۵.
- فولر، گراهام. *ایران قبله عالم*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- قرائتی، محسن (حجت الاسلام و المسلمین). *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۵.

کالینز، جان ام. / *استراتژی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.

— *جغرافیای نظامی*، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، ۱۳۸۳.

کاووسی عراقی، محمدحسن و نصراله صالحی. *جهادیه*، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

کینگ، رالف و افرایم کارش. *جنگ ایران و عراق*، ترجمه سید سعادت حسینی، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران، ۱۳۸۷.

لابوم، ژول. *تفضیل الایات قرآن کریم*، ترجمه استاد الهی قمشه‌ای، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۰.

مرکز آموزش عقیدتی - سیاسی ارتش. *نظام دفاعی اسلام*، تهران، سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش، ۱۳۶۳.

مکارم شیرازی، ناصر (آیت‌الله). *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دارالکتاب اسلامیة، ۱۳۶۹.

مغنیة، محمدجواد (علامه). *تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۰.

موسوی، سید علی. *کودتا و ضدکودتا*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
مونته، ادوراد. *المستدرک*، ترجمه استاد الهی قمشه‌ای، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۰.

می‌یر، پیتر. *جامعه شناسی جنگ و ارتش*، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی، قومس، ۱۳۷۶.

نجمی، محمدصادق. *یری در صحیحین (بخاری و مسلم)*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

- نصر، صلاح. جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، سروش، ۱۳۵۸.
- نوری، حسین (آیت‌الله). جهاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- نهج‌البلاغه / امیر مؤمنان علی(ع)، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- وتر، ضاهر (سرטיפ ستاد دکتر). مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم(ص)، ترجمه اصغر قائدان، صریر، ۱۳۷۶.
- وو دوارد، باب. فرماندهان، ترجمه فریدون دولتشاهی، اطلاعات، ۱۳۷۱.
- هاوارد، مایکل. کارل فن کلاوزویتس (نظریه جنگ)، ترجمه دکتر غلامحسین میرزاصالح، طرح نو، ۱۳۷۷.



Koliyati az Jang Va Mavaredi az Defa`e Moghadas

Brigadier General Naser Arasteh

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi**